



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

په انټرنیټ کې لاس ته راځئ: www.dawab.com

پوهنیز پوهنیز

گڼه پوهنیز، احیاء کونکې، نور وړاندیزونه
په پوهنیزو لارو کې، غږونه، لاس ته راځئ

پوهنیز
پوهنیز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شعله های همیشه - گامی بسوی احیاگری فرهنگ فاطمیه

نویسنده:

علی لباف

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	شعله های همیشه گامی برای احیای فرهنگ فاطمیه با هدف تحکیم عقیده به امامت
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست
۲۴	تقریظ آیه الله سید محمد ضیاء آبادی
۲۴	اشاره
۲۶	دورنمای مباحث و هدف از نگارش
۲۶	درباره فصل اول
۲۷	درباره فصل دوم
۲۸	فصل اول : مبانی احیای فرهنگ فاطمیه، با هدف تحکیم عقیده به امامت
۲۸	اشاره
۳۰	پیش گفتار: آشنایی با اهمیت تحکیم عقیده به امامت
۳۲	گفتار یکم : تبیین نحوه تأثیر گذاری «فرهنگ فاطمیه» در «تحکیم عقیده به امامت»
۳۲	اشاره
۳۲	مقدمه یکم : جستجو برای بازشناسی مسیر هدایت، پس از رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله) ، الزامی است
۳۲	اشاره
۳۳	در پاسخ می گوئیم:
۳۶	مقدمه دوم : تبعیت از سیره حضرت زهرا(علیها السلام) ، در مواجهه با اختلاف امت، الزامی است
۳۶	اشاره
۳۷	حدیث یکم
۳۸	حدیث دوم
۴۱	مقدمه سوم: غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر، نشانه بطلان مکتب خلفاست
۴۱	الف) اثبات وقوع غضب

۴۴ (ب) اثبات استمرار غضب

۵۰ گفتار دوم: تبیین رابطه «اقامه عزا در ایام فاطمیه» با «تحکیم عقیده به امامت»

۵۲ فصل دوم: مبانی استناد به اسناد غضب، در راستای احیای فرهنگ فاطمیه

۵۲ اشاره

۵۴ گفتار یکم: آشنایی با اسناد غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر

۵۴ مقدمه

۵۵ سند شماره ۱ و ۲

۵۵ سند شماره ۳ و ۴

۵۵ سند شماره ۵ و ۶

۵۶ سند شماره ۷

۵۶ سند شماره ۸

۵۶ سند شماره ۹

۵۶ سند شماره ۱۰

۵۷ سند شماره ۱۱

۵۷ سند شماره ۱۲ و ۱۳

۵۷ سند شماره ۱۴ و ۱۵ و ۱۶

۵۷ سند شماره ۱۷

۵۸ گفتار دوم: آشنایی با اهداف ناقلان و ثبت کنندگان اسناد غضب

۵۸ الف) هدف عایشه و اتباع او از نقل این حقایق چه بود؟

۵۸ اشاره

۵۹ پاسخ یک

۶۱ پاسخ دو

۶۳ پاسخ سه

۶۵ پاسخ چهار

۶۶ (ب) هدف حدیث نگاران اهل سنت از ثبت این حقایق چیست؟

۶۶ مقدمه چینی برای تحلیل و تفسیر

۶۶	مقدمه الف)
۶۶	اشاره
۶۹	نتیجه گیری
۷۰	مقدمه ب)
۷۳	جمع بندی و پاسخ گویی
۷۳	اشاره
۷۴	تذکر
۷۶	گفتار سوم : آشنایی با شیوه علمی استناد به اسناد غضب
۷۶	مقدمه
۷۶	اشاره
۷۶	تمهید عایشه
۷۷	تمهیدات حدیث نگاران مکتب خلفا
۷۸	شیعه در مقام مواجهه با این تمهیدات، چگونه عمل می کند؟
۷۹	تذکری در حاشیه
۸۰	شیعه در مقام قضاوت میان نقل های متعارض مکتب خلفا، چگونه عمل می کند؟
۸۴	گفتار چهارم: آشنایی با تمهید عایشه و راه خنثی سازی آن
۸۴	تمهید عایشه چه بود؟
۸۷	ماجرای دروغین بیعت حضرت علی(علیه السلام) با ابوبکر، از زبان عایشه
۸۸	ماجرای بیعت مختارانه، چه لطمه ای بر دلالت واقعی اسناد غضب وارد می سازد؟
۹۰	نقد و بررسی
۹۰	نحوه خنثی سازی توطئه عایشه
۹۴	گفتار پنجم: آشنایی با تمهیدات حدیث نگاران اهل سنت
۹۴	تمهید یکم : ماجرای خواستگاری حضرت علی(علیه السلام) از دختر ابوجهل
۹۴	اشاره
۹۷	شیوه نوین اهل سنت در بهره گیری از ماجرای خواستگاری حضرت علی(علیه السلام) از دختر ابوجهل
۹۷	اشاره

- ۹۹ ----- نقد و بررسی یکم : نحوه خنثی سازی شبهه خواستگاری از دختر ابوجهل
- ۱۰۱ ----- تمهید دوم : ماجرای ساختگی راضی شدن حضرت زهرا(علیها السلام) از ابوبکر
- ۱۰۱ ----- اشاره
- ۱۰۴ ----- نقد و بررسی دوم : نحوه خنثی سازی شبهه راضی شدن حضرت زهرا(علیها السلام) از ابوبکر
- ۱۰۴ ----- اشاره
- ۱۰۶ ----- آشنایی با «ابن قُتیبه» و کتاب او
- ۱۰۸ ----- اندکی درباره کتاب «الامامه و السیاسة»
- ۱۱۱ ----- سند نقض تصریح ابن قُتیبه به عدم رضایت حضرت زهرا(علیها السلام) از ابوبکر
- ۱۱۳ ----- تمهید سوم : ادعای ساختگی حضور ابوبکر در مراسم تدفین حضرت زهرا(علیها السلام)
- ۱۱۳ ----- اشاره
- ۱۱۴ ----- نقد و بررسی سوم : نحوه خنثی سازی شبهه حضور ابوبکر در تدفین حضرت زهرا(علیها السلام)
- ۱۱۵ ----- اسناد نقض تصریحات منابع معتبر اهل سنت به عدم حضور ابوبکر در مراسم تدفین حضرت زهرا (علیها السلام)
- ۱۱۵ ----- سند شماره (۱)
- ۱۱۶ ----- سند شماره (۲)
- ۱۱۶ ----- سند شماره (۳)
- ۱۱۶ ----- سند شماره (۴)
- ۱۱۶ ----- سند شماره (۵)
- ۱۱۷ ----- سند شماره (۶)
- ۱۱۷ ----- سند شماره ۷ و ۸)
- ۱۱۷ ----- سند شماره (۹)
- ۱۱۷ ----- سند شماره (۱۰)
- ۱۱۸ ----- تصریحات ابن ابی الحدید معتزلی درباره وصیت به دفن شبانه
- ۱۱۸ ----- اشاره
- ۱۱۸ ----- سند شماره (۱)
- ۱۱۸ ----- سند شماره (۲)
- ۱۱۹ ----- سند شماره (۳)

- سند شماره ۴) - ۱۱۹
- سند شماره ۵) - ۱۱۹
- سند شماره ۶) - ۱۱۹
- سند شماره ۷) - ۱۱۹
- تمهید چهارم ادعای واهی عدم تحقق خشم و غضب - ۱۲۰
- اشاره - ۱۲۰
- نقد و بررسی چهارم نحوه خنثی سازی شبهه عدم تحقق خشم و غضب - ۱۲۲
- بازخوانی اسناد غضب: تصریحات منابع معتبر اهل سنت به تحقق قطعی غضب - ۱۲۳
- سند شماره ۱) - ۱۲۳
- اشاره - ۱۲۳
- مرحله اول: - ۱۲۳
- مرحله دوم: - ۱۲۳
- مرحله سوم: - ۱۲۳
- اشاره - ۱۲۳
- توجه - ۱۲۴
- سند شماره ۲ و ۳) - ۱۲۴
- اشاره - ۱۲۴
- مرحله اول: - ۱۲۴
- مرحله دوم: - ۱۲۴
- مرحله سوم: - ۱۲۴
- مرحله چهارم: - ۱۲۵
- اشاره - ۱۲۵
- توجه - ۱۲۵
- سند شماره ۴ - ۱۲۵
- سند شماره ۵ - ۱۲۶
- سند شماره ۶ - ۱۲۶

سند شماره ۷ ----- ۱۲۶

جمع بندی ----- ۱۲۶

تذکر ----- ۱۲۷

تمهید پنجم: ادعای واهی عدم تحقق غصب حقوق مالی حضرت زهرا علیهاالسلام ----- ۱۲۸

اشاره ----- ۱۲۸

نقد و بررسی پنجم: نحوه خنثی سازی شبهه عدم غصب اموال حضرت زهرا علیهاالسلام ----- ۱۳۰

اسناد نقض: تصریحات منابع معتبر اهل سنت به عدم احقاق حقوق مالی حضرت زهرا علیهاالسلام ----- ۱۳۱

سند شماره ۱ ----- ۱۳۱

سند شماره ۲ ----- ۱۳۲

سند شماره ۳ ----- ۱۳۲

سند شماره ۴ ----- ۱۳۳

سند شماره ۵ ----- ۱۳۳

درباره مرکز ----- ۱۳۴

شعله های همیشه گامی برای احیای فرهنگ فاطمیه با هدف تحکیم عقیده به امامت

مشخصات کتاب

سرشناسه: لباف علی ۱۳۵۳

عنوان و نام پدیدآور: شعله های همیشه گامی به سوی احیای فرهنگ فاطمیه با هدف تحکیم عقیده به امامت

به اهتمام علی لباف با تقریظ محمد ضیاء آبادی به سفارش شورای عالی حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران.

مشخصات نشر: تهران: منیر ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۱۳۰۰۰ ریال ۹۷۸۹۶۴۷۹۶۵۵۴۵

یادداشت: چاپ چهارم.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - - احادیث

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - - مصائب

موضوع: امامت شناسه افزوده: شورای عالی حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

رده بندی کنگره: ۲ / BP۲۷ / ل ۲ ش ۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۷۴۵۱۷

ص: ۱

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به حضرت زهرا سلام الله علیها که تا لحظه شهادتش ، بیشترین رنج ها را از سقیفه کشید گروه طرح و تحقیق فاطمیّه

ص: ۳

تقریظ آیه الله سید محمد ضیاء آبادی..... ۱۱

دورنمای مباحث و هدف از نگارش... ۱۳

درباره فصل اول..... ۱۳

درباره فصل دوم... ۱۴

فصل اول: مبانی احیای فرهنگ فاطمیّه، با هدف تحکیم عقیده به امامت

پیش گفتار: آشنایی با اهمیت تحکیم عقیده به امامت ۱۷

گفتار یکم: تبیین نحوه تأثیر گذاری «فرهنگ فاطمیّه» در «تحکیم عقیده به امامت» ۱۹

مقدمه یکم

جستجو برای بازشناسی مسیر هدایت، پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) الزامی است ... ۱۹

ص: ۵

تبعیت از سیره حضرت زهرا(علیها السلام)، در مواجهه با اختلاف امت، الزامی است..... ۲۳

توجه به حدیث ثقلین.... ۲۴

توجه به احادیث حرمت ایذای فاطمه(علیها السلام)..... ۲۵

غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر، نشانه بطلان مکتب خلفا ۲۸

الف) اثبات وقوع غضب ۲۸

ب) اثبات استمرار غضب ۳۱

گفتار دوم: تبیین رابطه «اقامه عزا در ایام فاطمیّه» با «تحکیم عقیده به امامت» ۳۷

مبانی استناد به اسناد غضب، در راستای احیاگری فرهنگ فاطمیّه

گفتار یکم: آشنایی با اسناد غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر..... ۴۱

سند شماره ۱ و ۲) ۴۲

سند شماره ۳ و ۴) ۴۲

سند شماره ۵ و ۶) ۴۲

سند شماره ۷) ۴۳

سند شماره ۸) ۴۳

سند شماره ۹) ۴۳

سند شماره ۱۰) ۴۳...

سند شماره ۱۱) ۴۴.....

سند شماره ۱۲ و ۱۳) ۴۴....

سند شماره ۱۴ و ۱۵ و ۱۶) ۴۴.....

سند شماره ۱۷) ۴۴.....

گفتار دوم: آشنایی با اهداف ناقلان و ثبت کنندگان اسناد غضب ۴۵.....

الف) هدف عایشه و اتباع او از نقل این حقایق چه بود؟ ۴۶....

پاسخ یک ۴۶...

پاسخ دو ۴۸....

پاسخ سه ۵۰.....

پاسخ چهار ۵۲....

ب) هدف حدیث نگاران اهل سنت از ثبت این حقایق چیست؟ ۵۳..

مقدمه چینی برای تحلیل و تفسیر ۵۳...

جمع بندی و پاسخ گویی ۶۰.....

گفتار سوم: آشنایی با شیوه علمی استناد به اسناد غضب ۶۳.....

مقدمه ۶۳.....

دورنمای تمهیدات هواداران ابوبکر ۶۳....

شیعه در مقام مواجهه با این تمهیدات، چگونه عمل می کند؟ ۶۵

شیعه در مقام قضاوت میان نقل های متعارض مکتب خلفاء چگونه عمل می کند؟ ۶۷ ..

گفتار چهارم: آشنایی با تمهید عایشه و راه خنثی سازی آن ۷۱

تمهید عایشه چه بود؟ ۷۱.....

نفوذ تمهید عایشه در شبهه افکنی های معاصر ۷۲

ماجرای دروغین بیعت حضرت علی (علیه السلام)

با ابوبکر، از زبان عایشه . ۷۴

ماجرای بیعت مختارانه، چه لطمه ای بر دلالت واقعی اسناد غضب وارد می سازد؟ ... ۷۵

انعکاس برداشت انحرافی از نقل عایشه در تصریحات ابن کثیر ۷۵

نقد و بررسی

نحوه خنثی سازی توطئه عایشه .. ۷۷.....

گفتار پنجم: آشنایی با تمهیدات حدیث نگاران اهل سنت و شیوه های خنثی سازی آنها . ۸۱

تمهید یکم

ماجرای خواستگاری حضرت علی (علیه السلام) از دختر ابوجهل ۸۱

بهره گیری نوین از ماجرای خواستگاری از دختر ابوجهل ۸۴

نقد و بررسی یکم

نحوه خنثی سازی شبهه خواستگاری از دختر ابوجهل ۸۶

تمهید دوم

ماجرای ساختگی راضی شدن حضرت زهرا (علیها السلام) از ابوبکر ۸۸

نقد و بررسی دوم

نحوه خنثی سازی شبهه راضی شدن حضرت زهرا (علیها السلام) از ابوبکر ۹۱

آشنایی با «ابن قتیبه» و کتاب او ۹۳

اندکی دربارہ کتاب «الامامہ و السیاسہ»۹۵

ص: ۸

سند نقض

تصريح ابن قتيبه به عدم رضایت حضرت زهرا(عليها السلام)

از ابوبکر ۹۸

تمهید سوم

ادّعی ساختگی حضور ابوبکر در مراسم تدفین حضرت زهرا(عليها السلام) ۱۰۰

نقد و بررسی سوم

نحوه خنثی سازی شبهه حضور ابوبکر در تدفین حضرت زهرا(عليها السلام) . ۱۰۱

اسناد نقض

تصریحات منابع معتبر اهل سنت به عدم حضور ابوبکر در مراسم تدفین حضرت زهرا (عليها السلام)... ۱۰۲

سند شماره ۱) ۱۰۲

سند شماره ۲) ... ۱۰۳

سند شماره ۳)..... ۱۰۳

سند شماره ۴) ۱۰۳

سند شماره ۵) ... ۱۰۳

سند شماره ۶)..... ۱۰۴

سند شماره ۷ و ۸) ۱۰۴

سند شماره ۹) ۱۰۴

سند شماره ۱۰) ۱۰۴

تصریحات ابن ابی الحدید معتزلی درباره وصیت به دفن شبانه ۱۰۵

سند شماره ۱)..... ۱۰۵

سند شماره ۲) ۱۰۵....

سند شماره ۳) ۱۰۶...

آشنایی با برخی دیگر از اسناد وصیت به دفن شبانه ... ۱۰۶

ص: ۹

تمهید چهارم

ادّعی واهی عدم تحقّق خشم و غضب... ۱۰۷ نقد و بررسی چهارم

نحوه خنثی سازی شبهه عدم تحقّق خشم و غضب... ۱۰۹

بازخوانی اسناد غضب

تصریحات منابع معتبر اهل سنت به تحقّق قطعی خشم و غضب. ۱۱۰

سند شماره (۱) ... ۱۱۰

سند شماره ۲ و ۳)..... ۱۱۱

سند شماره (۴) ۱۱۲

سند شماره (۵) ۱۱۳

سند شماره (۶) ۱۱۳

سند شماره (۷) ۱۱۳

تمهید پنجم

ادّعی واهی عدم تحقّق غضب حقوق مالی حضرت زهرا(علیها السلام) ۱۱۵

نقد و بررسی پنجم

نحوه خنثی سازی شبهه عدم غضب اموال حضرت زهرا(علیها السلام) ۱۱۷

اسناد نقض

تصریحات منابع معتبر اهل سنت به عدم احقاق حقوق مالی حضرت زهرا(علیها السلام) . . . ۱۱۸.....

سند شماره (۱) ۱۱۸

سند شماره (۲) ۱۱۹

سند شماره (۳) ۱۱۹

سند شماره (٤) ١٢٠

سند شماره (٥) ١٢٠

ص: ١٠

بسمه تعالی شأنه

از مطالعه این تألیف پر برکت که در دفاع از حریم مقدّس ولایت و به ویژه تبیین اهمّیت اقامه عزا در ایّام فاطمیّه نگارش یافته است، بهره بسیار بردم و از صمیم قلب برای مؤلّف محترم که در تتبع و تحقیق مطالب متحمّل زحمات فراوان شده است دعا کردم.

مخصوصاً فصل دوم کتاب از نظر بررسی های علمی و پاسخگویی به شبهات مشکّکان، برای مبلغین بزرگوار مذهبی شایسته مطالعه دقیق است.

از خداوند متعال افزایش توفیقات در مسیر خدمات عالیّه دینی را برای مؤلّف محترم مسئلت دارم.

سید محمد ضیاء آبادی

۱۳۸۳/۱۲/۲۶ - پنجم ماه صفر ۱۴۲۶

ص: ۱۱

این نوشتار، از دو فصل تشکیل شده است که اندکی درباره اهداف نگارش هر یک از آنها، توضیح می دهیم.

درباره فصل اول

فصل اول، به تبیین «اهمیت و جایگاه احیای فرهنگ فاطمیه و نحوه تأثیر گذاری آن در تحکیم عقیده به امامت» می پردازد.

مطالب این فصل، تلفیقی از گفتار ارزشمند آیه الله ضیاء آبادی

(مجموعه صفیر هدایت، مورخ ۱۳۸۳/۴/۱۲) و نوشتار ایشان در کتاب «حج، برنامه تکامل» می باشد که با الحاق مطالب تازه ای، تنظیم و بازنویسی شده است.

هدف از ارائه مطالب این فصل، آشنایی مبلغین «مباحث امامت» و احیاگران «فرهنگ فاطمیه»، با «یک نمونه سخنرانی قابل اجراء» در مراسم سوگواری شهادت حضرت زهرا(علیها السلام) می باشد.

از آن جایی که تبیین «نقش برجسته فرهنگ فاطمیه» و تأثیر آن در «حفظ مرزهای تشیع و تحکیم عقیده به امامت» نیازمند به ایجاد آگاهی های عمیق در میان عزاداران فاطمی می باشد؛ نمونه ارائه شده در این فصل را می توان برای طرح در «چندین نوبت به هم پیوسته» تنظیم نمود.

فصل دوم، شامل مباحثی است که ویژه مبلغین «مباحث امامت» و احیاگران «فرهنگ فاطمیّه» تدوین شده و آگاهی و تسلط علمی بر آن ها، قبل از شروع به ارائه مطالب مندرج در فصل اول، ضروری است.

این فصل، به تشریح «مبانی استناد به اسناد خشم و غضب حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر» (هسته مرکزی مباحث فصل پیشین) پرداخته و اطلاعات مبلغ را در اطراف آن افزایش می دهد.

بدیهی است که مطالب فصل دوم، به سبک آموزشی (و نه تبلیغی) نگاشته شده و طرح آنها در ضمن ارائه مطالب مندرج در فصل اول، به «سنجش فضای فکری مخاطب و ایجاد تغییر در نحوه ارائه مطالب» نیازمند می باشد.

به عبارت دیگر، مطالب فصل دوم در مقام پشتیبان علمی «تبلیغ امامت از طریق احیای فرهنگ فاطمیّه» قرار داشته و کمیت و کیفیت طرح آن ها در یک سخنرانی عمومی، به صلاحدید گویندگان بستگی دارد.

در پایان، خاطر نشان می گردد که با توجه به هدف اصلی از نگارش این کتاب (تحکیم عقیده به امامت از طریق احیای فرهنگ فاطمیّه)، مباحث فصل دوم، به صورت فشرده ارائه شده و برای تکمیل مباحث، مطالعه منابعی که در «پاورقی» به آنها ارجاع داده ایم، ضروری می باشد.

فصل اوّل : مبانی احیای فرهنگ فاطمیّه، با هدف تحکیم عقیده به امامت

اشاره

بازنویسی مباحث استاد ارجمند سید محمد ضیاء آبادی

ص: ۱۵

پیش‌گفتار: آشنایی با اهمیت تحکیم عقیده به امامت

ما اکنون در شرایطی قرار گرفته ایم که اصول اعتقادی ما (به ویژه اصل امامت) از طرف دشمنان حق، از طرق گوناگون مورد هجوم قرار گرفته و با القاء شبهات و تشکیکات، ایجاد تزلزل در اذهان بسیاری از افراد ناپخته و خام می‌نمایند. (۱)

در چنین شرایطی، آن چه که بر همه ما واجب عینی است، تحکیم عقیده شخصی خود ماست.

ما موظفیم عقیده خود را در امر امامت تحکیم کنیم؛ آن چنان که در جان ما بنشیند و راسخ گردد؛ تا آن که با نسیمی نلرزیم و با نگاهی نلغزیم. (۲)

ص: ۱۷

۱- اقتباس از: صفیر هدایت، سلسله مباحث معارفی (شماره ۱۳۳)، ص ۱۰.

۲- اقتباس از: صفیر هدایت، سلسله مباحث تفسیری (شماره ۴۵)، ص ۱۷.

گفتار یکم: تبیین نحوه تأثیر گذاری «فرهنگ فاطمیّه» در «تحکیم عقیده به امامت»

اشاره

امروز «احیای فرهنگ فاطمیّه» از تأثیر گذاری ویژه ای در تحکیم عقیده شیعیان به امامت برخوردار می باشد.

برای تبیین این جایگاه، توجه به چندین مقدمه ضروری است.

مقدمه یکم: جستجو برای بازشناسی مسیر هدایت، پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) ، الزامی است

اشاره

تحقیق و جستجو برای بازشناسی مسیر هدایت و تمیز آن از راه ضلالت، پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) از واجبات مسلّم عقلی است.

شاید در ذهن کسانی این توهم پیش آید که تجدید خاطره حوادث غم انگیز تاریخ اسلام، چه ضرورت و فایده ای دارد؟

ص: ۱۹

اگر آن وقایع ناگوار و حوادث تلخ با عقاید دینی و باورهای مذهبی نسل امروز ما در ارتباط مستقیم و بی‌واسطه باشد؛ چطور می‌توان چشمان خود را بر روی تاریخ اسلام و حوادث تلخ آن بست؟

یعنی اگر نسل امروز ما، عقاید مذهبی خود را بر اساس جهت‌گیری‌هایشان نسبت به همان حوادث قدیمی به دست آورده باشند؛ آیا باز هم می‌توان کالبد شکافی آن اتفاقات را بی‌ثمر و خالی از فایده پنداشت!

می‌دانیم که باورهای اسلامی برای ما مسلمانان جنبه‌حیاتی دارد؛ یعنی مسلمانان باید با این اعتقادات زندگی کنند و تأمین سعادت نمایند و پس از مرگ در عالم برزخ و محشر، پاسخگوی آن باشند.

از سوی دیگر، می‌دانیم که در نقطه‌آغاز این اعتقادات و در خاستگاه شکل‌گیری و تکامل آنها در گذشته تاریخ، دو گروه اظهار وجود کرده و در عین مخالفت اساسی با یکدیگر، هر یک ادعا دارند که صاحبان اصلی دین و دارندگان سِمَتِ پیشوایی امت می‌باشند.

هریک از این دو گروه متضاد، امت را به پیروی از خود دعوت کرده و راه خود را «یگانه راه مستقیم» معرفی نموده‌اند.

بدیهی است که به طور مسلم، فقط یکی از آن دو گروه، حق است و دیگری باطل.

زیرا مُحال است که دو گروه در یک موضوع، رو در روی

همدیگر بایستند و یکدیگر را گمراه و خطاکار خطاب کنند و هر دو نیز «حق» باشند.

حال در روزگار ما، هر فردی که بخواهد عقاید حق را به دست آورد و سعادت دنیوی و اُخروی خود را تأمین نماید؛ چاره‌ای جز این ندارد که با مطالعه و تحقیق توأم با عدم تعصب و عناد، یکی از این دو سرچشمه عقاید را «آگاهانه» برگزیند و عقل و روحش را از تعالیم آن مکتب سیراب سازد.

ولی چنین فردی باید از کدام یک از این دو گروه مخالف پیروی کند؟ در حالی که هر یک از آنها برنامه خاصی را ارائه می‌نمایند و راه خود را به سوی بهشت و راه فرقه مخالف را به سوی جهنم می‌دانند.

در چنین شرایط دشوار و حسّاسی است که به حکم عقل لازم می‌شود تا انسان حقیقت جو و دین طلب، درباره گذشته آن دو گروه به تحقیق و شناسایی دقیق و کامل بپردازد و آنها را از حیث افکار و عقاید؛ اخلاق و اعمال؛ صادق و کاذب بودن؛ امین و خائن بودن؛ عادل و ظالم بودن؛ و ... به طور دقیق بشناسد و بسنجد.

زیرا باید بتواند در مسیر تبعیت از آن‌ها، سرمایه اصلی حیات دنیوی و اُخروی خود را به دست آورد و با اطمینان خاطر به زندگی ایمانی خویش ادامه دهد.

این عقل است که می‌گوید:

اگر آب و غذا - که مایه حیات جسمانی و بقای شما انسان هاست - به دست دو گروه افتاده و احتمال می‌دهید که گروهی

می خواهند از روی جهل و نادانی یا بغض و دشمنی، شما را از طریق آب و غذا مسموم کنند؛ به صرف همین احتمال، مکلف و موظف هستید که قبل از خوردن و آشامیدن، به «شناسایی و سنجش» اقدام نمایید، تا تغذیه سالم را به دست آورید.

دین، عقاید و احکام دینی - که غذای روح و تأمین کننده حیات ابدی ما می باشد، به مراتب پُراهمیت تر از غذایی است که مایه حیات فناپذیر دنیوی ماست.

از این روست که می گوییم:

از واجبات مسلم عقلی است که بایستی برای دستیابی به دین حق، درباره سابقه و گذشته دو گروهی که از پانزده قرن قبل، در رأس امت اسلامی قرار گرفته اند، تحقیق و جستجوی کامل و همه جانبه نماییم.

همان دو گروهی که پس از خود، باعث تقابل دو مکتب فکری اهل بیت (علیهم السّلام) و «خلفا» گردیده و برای همیشه تاریخ، خود را مرجع دینی امت و دارنده مکتب هدایت بخش معرفی کرده اند. این آیه قرآن کریم نیز به همین حکم عقل اشاره می فرماید:

« أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَمَّا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ » (۱) پس آیا اوایی که به سوی حق هدایت می کند شایسته پیروی است یا آن کسی که خودش نیازمند به هدایت است؟! چگونه داوری می کنید؟

ص: ۲۲

مقدمه دوم: تبعیت از سیره حضرت زهرا(علیها السلام)، در مواجهه با اختلاف امت، الزامی است (۱).

واضح ترین دلیل و روشن ترین گواه برای حق جویان و هدایت طلبان، تبعیت از سیره حضرت زهرا(علیها السلام) در مواجهه با اختلاف امت پس از رحلت رسول الله(صلی الله علیه وآله) می باشد.

هر انسان حقیقت جو و دین طلبی، بایستی حداقل این دو فرموده رسول خدا(صلی الله علیه وآله) را که مورد پذیرش هر دو فرقه شیعه و سنی است - یاد بگیرد و در معنای آن ها خوب تفکر، تأمل و اندیشه نماید؛ تا بتواند با استناد به محتوای این دو روایت شریف، مذهب حق و باطل را از یکدیگر جدا ساخته و با بهره گیری از معارف عمیقی که در این دو حدیث گهربار نهفته است، انتخاب خویش را در پیروی از مذهب حق و طرد مذهب باطل استوار سازد و به هنگام لزوم نیز با استناد به آن ها، از اصالت و حقایق مطلق مکتب برگزیده اش، عالمانه دفاع نماید.

ص: ۲۳

۱- این مقدمه، مبتنی بر این پیش فرض اعتقادی است که «رضایت خدای متعال، چیزی جز رضایت اولیاء الهی نمی باشد».

حدیث ثَقَلَيْنِ (۱) است که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَيْدَاءً وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ». من در میان شما در امانت نفیس و گرانبها باقی می‌گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری عترت من (اهل بیت من) است. مادام که به هر دوی آن‌ها با هم، چنگ زنید؛ هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد. و این دو هیچ‌گاه از همدیگر جدایی پذیر نخواهند بود تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

این تصریح رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که از تواتر لفظی (۲) برخوردار است، بیانگر عصمت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌باشد.

عصمتی که خدای متعال در آیه تطهیر (۳)، به تضمین آن خبر داده است.

ص: ۲۴

۱- دانشمند بزرگ شیعه مرحوم میرحامد حسین هندی (متوفی ۱۳۰۶ ق) حدیث فوق را از ۵۰۲ منبع - که همگی به قلم بزرگان اهل سنت نگارش یافته - نقل نموده است. مجموعه تحقیقات ارزشمند ایشان درباره سند و دلالت حدیث ثَقَلَيْنِ در اثر بی نظیر وی به نام «عَبَقَاتُ الْانْوَارِ» به چاپ رسیده است.

۲- محور مشترک خبرها، لفظ معین است.

۳- احزاب: ۳۳.

حدیث «حرمت ایذای فاطمه (علیها السلام)» است که دارای تواتر معنوی (۱) می باشد.

در این حدیث، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با الفاظ گوناگونی هشدار داده اند:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي» (۲)

فاطمه پاره تن من است؛ هر کس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است.

دانشمند بزرگ شیعه مرحوم سید مرتضی حسینی فیروزآبادی

در جلد سوم از کتاب خود به نام «فضائل الخمسة من الصحاح الستة»

احادیث مربوط به این موضوع را از منابع معتبر اهل سنت جمع آوری نموده اند، که به برخی از آنها اشاره می نمایم:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُرِيدُنِي مَا أَرَابَهَا وَ يُؤْذِينِي مَا أَذَاهَا» (۳)

فاطمه پاره تن من است؛ مرا آشفته می سازد، هر آنچه او را آشفته کند؛ و مرا ناراحت می سازد، هر آنچه او را ناراحت کند.

ص: ۲۵

۱- محور مشترک خبرها، قضیه دارای معنای معین است و محور مشترک، مدلول مطابقی خبرهاست. ر.ک: اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه (تألیف: استاد جعفر سبحانی).

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۴۳۷ و ۳۴۸۳؛ کنز العمال (تألیف: متقی هندی)، ج ۶، ص ۲۲۰؛ فیض القدیر (تألیف: مناوی)، ج ۴، ص ۴۲۱.

۳- مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۲۸؛ حلیه الأولیاء (تألیف: أبونعیم)، ج ۲، ص ۴۰.

إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي ، يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا . (۱)

همانا فاطمه پارهٔ تن من است؛ هر آنچه او را بیازارد، مرا می آزارد.

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَيَنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا. (۲)

همانا فاطمه پارهٔ تن من است؛ هر آنچه او را بیازارد، مرا می آزارد؛ و هر آنچه او را اندوهگین سازد، مرا اندوهگین می نماید.

قال رسول الله لِفَاطِمَةَ: إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعَظْمِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ؟ (۳) رسول خدا، خطاب به حضرت فاطمه فرمودند: همانا خداوند به غضب تو، غضب می کند؛ و به خشنودی تو، خشنود می شود.

ص: ۲۶

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره ۴۴۸۳؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۱۹.

۲- مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۵؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۹؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۱۹.

۳- مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۳؛ أسد الغابه (تألیف: ابن اثیر، ج ۵، ص ۵۲۲؛ تهذیب التهذیب (تألیف: ابن حجر)، ج ۱۲، ص ۴۴۱؛ الاصابه (تألیف: ابن حجر)، ج ۸، ص ۱۵۹؛ کنز العمال (تألیف: متقی هندی)، ج ۷، ص ۱۱۱؛ مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۱۹۰. [با توجه به این که حاکم نیشابوری در کتاب خود، احادیث صحیح را طبق شروط بخاری و مسلم آورده است؛ باید گفت: حدیث فوق، بر طبق مبنای بخاری و مسلم، صحیح است و مورد قبول آن دو نیز می باشد. حال چرا بخاری و مسلم، این حدیث را در آثارشان ثبت نکرده اند؛ جای تعجب دارد؟ دربارهٔ انگیزهٔ حاکم نیشابوری از ثبت این حدیث، در فصل دوم خواهیم نوشت.]

قال رَسُولُ اللَّهِ لِفاطِمَةَ: إِنَّ الرَّبَّ يَغْضِبُ لِعْضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضاها. (۱) رسول خدا، خطاب به حضرت فاطمه فرمودند:

همانا پروردگار به غضب تو، غضب میکند؛ و به خشنودی تو، خشنود می شود.

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَغْضِبُ لِعْضَبِ فاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضاها. (۲)

همانا خدای متعال به غضب فاطمه، غضب می کند؛ و به خشنودی او، خشنود می شود.

ائمه اطهار (عليهم السلام) نیز در احادیث متعددی نقل کرده اند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ لِيَغْضِبُ لِعْضَبِ فاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضاها. (۳)

همانا خدای متعال به غضب فاطمه، غضب میکند؛ و به خشنودی او، خشنود می شود.

ص: ۲۷

۱- میزان الاعتدال (تألیف: ذهبی، ج ۲، ص ۷۲) [نقل مشابه: ذخائر العقبی (تألیف: محبّ الدین طبری)، ص ۳۹.

۲- کنز العمال (تألیف: متقی هندی)، ج ۶، ص ۲۱۹.

۳- بحار الانوار (تألیف: علامه مجلسی)، ج ۴۳، ص ۱۹، به نقل از: مجالس شیخ مفید نقل های مشابه: [بحار الانوار، ج ۴۳، ص

۱۹، به نقل از: عیون اخبار الرضا (علیه السلام) (تألیف: شیخ صدوق)؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰، به نقل از: احتجاج طبرسی؛

بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲، به نقل از: امالی صدوق.

الف) اثبات وقوع غضب

به موجب نقل های متواتری که در منابع معتبر تاریخی و حدیثی اهل سنت به ثبت رسیده اند، حضرت زهرا(علیها السلام) بر حکومت برخاسته از سقیفه بنی ساعده و سردمداران آن، غضب فرمود.

وی، بدین وسیله ضمن اعلان غاصبانه بودن حکومت خلفاء بنیان های فکری مکتب آنان را نیز ویران ساخت و آن را از اساس باطل اعلام نمود.

محمّد بن اسماعیل بخاری در کتاب خود - که به زعم اهل سنت، از معتبرترین منابع حدیثی محسوب می شود - تصریح می کند:

فَغَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ... (۱)

ص: ۲۸

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۲۸۶۲؛ [نقل مشابه: مسند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۲۵].

فاطمه دختر رسول خدا بر ابوبکر خشم گرفت و با او قطع رابطه نمود.

این قهر وی با ابوبکر، پیوسته استمرار یافت تا از دنیا رفت.

... فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى تُؤْفَيْتَ... فلما تُؤْفَيْتَ دَفَنَهَا زَوْجَهَا عَلِيًّا لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا.....(۱)

فاطمه بر ابوبکر غضب نمود و با او قطع رابطه کرد؛ و تا زمانی که زنده بود با ابوبکر سخن نگفت..

هنگامی که از دنیا رفت، شوهرش علی، وی را شبانه دفن کرد و به ابوبکر خبر نداد و خودش بر جنازه وی نماز خواند....

.. فَهَجَرَتْهُ فَاطِمَةُ فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى مَاتَتْ... (۲)

فاطمه با ابوبکر قطع رابطه نمود و با او سخن نگفت تا از دنیا رفت.

اگر بار دیگر در دلالت احادیث مربوط به «حرمت ایذای فاطمه (علیها السلام)» و هشدارهای رسول خدا (صلی الله علیه وآله) درباره آن دقت فرمایید؛ به روشنی می توان گفت:

ص: ۲۹

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳؛ [نقل مشابه: صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره ۶۲۳۰.

آن افرادی که هر یک به طریقی موجبات آزار و اذیت روحی و جسمی حضرت فاطمه (علیها السلام) را فراهم آورده و ایشان را از خود خشمگین و غضبناک ساختند، در دنیا و آخرت ملعون به لعنتی خداوند بوده و در روز قیامت، محکوم به عذابی خوار کننده می باشند.

این آیه از قرآن کریم نیز به همین نتیجه گیری اشاره می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (۱)

آنان که خدا و رسولش را بیازارند، خداوند ایشان را در دنیا و آخرت از رحمت خود دور و محروم نموده و عذاب خوار کننده ای برای آنان آماده کرده است.

بنابراین، می توان به صراحت اعلام نمود:

به حکم عقل و شرع، آزار دهندگان حضرت فاطمه زهرا (علیهم السلام) به هیچ روی، حق ندارند که بر امت اسلامی حکومت کنند.

همچنین، این گروه صلاحیت ندارند که تصدی امر هدایت و سرپرستی مسلمین (خلافت و جانشینی خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) را بر عهده گیرند.

در نتیجه: هر مکتبی هم که از استمرار حکومت آنان نشأت گرفته و شکل بیابد، مکتبی باطل و گمراه کننده است.

ص: ۳۰

وَأَوْصَتْ أَنْ تُدْفَنَ لَيْلًا، فَفَعَلَ ذَلِكَ بِهَا. (۱)

وصیت نمود که شبانه دفن شود و امیرالمؤمنین (علیه السلام) [وی را] طبق وصیتش [این چنین به خاک سپردند].

وصیت حضرت فاطمه (علیها السلام) به تدفین شبانه و پنهان نگاه داشتن مزار، به روشنی حاکی از غضب پایدار و خلل ناپذیر

حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر و هوادارانش می باشد.

این وصیت، خشم جاودانه ایشان را برای همیشه تاریخ، متوجه حکومتی می نماید که ستون های فکری مکتب خلفا، بر آن بنا شده و استوار گردیده است.

آری، بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) - علی رغم آن همه توصیه های قولی و فعلی حضرت مصطفی (صلی الله علیه و آله) ، آن یگانه یادگار نبوت آن چنان از دست امت در فشار افتاد که تمام مدت کوتاه زندگی پُر محتش را با رنج و درد و مصیبت و اندوه سپری نمود.

ص: ۳۱

از ستمگری های حکومت وقت و سُستی و سکوت ذلّتِ بارِ اَمّت به ستوه آمد و عاقبت نیز بعد از تحمّل بار سنگین مصائب و شدائد غم انگیز و روح گداز، با جسمی رنجور و زخم دیده، چشم از دنیای دون فرو بست.

حضرت فاطمه زهرا(علیها السّلام) در آخرین روزهای حیات خود، ضمن وصیّتی ویژه، از امیر المؤمنین (علیه السّلام) خواست که آن حضرت (علیه السّلام) وی را شبانه تجهیز نمایند و به خاک سپارند.

حضرت زهرا(علیها السّلام) ضمن وصیّتش تصریح فرمود:

احدی از مردمان حق ناشناس که بر آنان غضب نموده بود. را به مراسم تشییع جنازه اش فرانخوانند و از محلّ قبرش باخبر نسازند.

وصیّت «إخفای قبر» از ناحیه صدیقه کبری (علیها السّلام)، ضربه بسیار مؤثر و کوبنده ای بود که به دست آیت کبرای الهی بر پیکر سیاست ظالمانه و در عین حال مزورانه وقت فرود آمد و پرده تزویر و تدلیس آن ها را بالا زد و چهره واقعی آنان را پیش چشم حقیقت جویان و دین طلبان هویدا ساخت.

منابع معتبر شیعه و سنی نوشته اند:

فلما تُوفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجَهَا عَلِيٌّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذَنْ (۱) بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا..... (۲)

چون از دنیا رفت، علی وی را شبانه دفن نمود؛ به ابوبکر خبر نداد و خودش بر جنازه او نماز گزارد.

وَإِنَّ عَلِيًّا دَفَنَ فَاطِمَةَ لَيْلًا.. وَلَمْ يَعْلَمْ أَبُو بَكْرٍ وَعَمْرٌ بِمَوْتِهَا. (۳)

همانا علی، فاطمه را شبانه دفن نمود و ابوبکر و عمر از مرگ وی آگاه نشدند.

دَفَنَهَا عَلِيٌّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ. (۴)

علی وی را شبانه دفن نمود و به ابوبکر خبر نداد.

ص: ۳۳

۱- از ریشه «أَذِنَ» دو فعل «أَذَنَهُ بِالْأَمْرِ» و «أَذَنَهُ بِالْأَمْرِ» ساخته می شود که هر دو به معنای او را نسبت به امر باخبر ساخت» به کار رفته اند. لذا می توان کلمه «لَمْ يُؤْذَنْ» را «لَمْ يُؤْذَنْ» نیز خواند.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳. [نقل مشابه: صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴].

۳- انساب الاشراف (تألیف: بلاذری)، ج ۱، ص ۴۰۵.

۴- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۸. [نقل های مشابه: جامع الأصول (تألیف: ابن اثیر)، ص ۴۸۲. البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۵، ص ۲۸۵. شرح حدیدی، ج ۶، ص ۴۶].

ابن ابی الحدید معتزلی - که خود از مدافعان سرسخت خلفا می باشد(۱) - در ارزیابی این نقل ها می نویسد:

«وَالصَّحِيحُ عِنْدِي أَنَّهَا مَاتَتْ وَهِيَ وَاجِدَةٌ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرُ وَأَنَّهَا أَوْصَتْ أَلَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا...»(۲)

آنچه از نظر من صحیح می باشد این است که: فاطمه از دنیا رفت، در حالی که بر ابوبکر و عمر غضبناک بود و وصیت نمود که آن دو بر جنازه وی نماز نخوانند...

او همچنین درباره دفن شبانه حضرت زهرا(علیها السلام) می نویسد:

بَيْلٌ يَقَعُ الْإِحْتِجَاجُ بِذَلِكَ عَلَيَّ مَا وَرَدَتْ بِهِ الرَّوَايَاتُ الْمُسْتَفِيضَةُ الظَّاهِرَةُ الَّتِي هِيَ كَالْتَوَاتُرِ، أَنَّهَا أَوْصَتْ بِأَنْ تُدْفَنَ لَيْلًا حَتَّى لَا يُصَلِّيَ الرَّجُلَانِ عَلَيْهَا وَصَرَخَتْ بِذَلِكَ وَعَهَدَتْ فِيهِ..»(۳)

..... روایات مستفیضه(۴) که در حدّ تواتر است، دلالت می کند که ایشان وصیت نمود که وی را شبانه دفن کنند؛ برای آن که آن دو مرد [ابوبکر و عمر] بر او نماز نخوانند.

و به این خواسته اش تصریح و تأکید فرمود و بر انجام آن، پیمان گرفت...

ص: ۳۴

۱- در اثبات تعصّب مذهبی او همین بس که وی جلد دوازدهم از شرحش بر کتاب نهج البلاغه را به دفاع از خلیفه دوم و ذکر فضائل ساختگی او اختصاص داده است.

۲- شرح حدیدی، ج ۶، ص ۵۰.

۳- شرح حدیدی، ج ۱۶، ص ۲۸۱.

۴- خبری که روات آن در هر طبقه بیش از دو تن و به قولی زیادتراً از سه نفر باشند؛ ولی به سرحدّ تواتر نرسیده باشد که آن را مشهور نیز نامند. درایه الحدیث (تألیف: کاظم مدیرشانه چی)، ص ۴۸.

ثقه الاسلام كلینی (قدس سره) در كتاب شریف «الاصول من الكافی» از امام حسین (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت علی (علیه السلام) فرمودند:

لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ (علیها السلام) دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) سِرًّا وَ عَفَا عَلِيٌّ مَوْضِعَ قَبْرِهَا... (۱) آن گاه که حضرت زهرا (علیها السلام) از دنیا رفت، حضرت امیر (علیه السلام) ایشان را پنهانی دفن نمود و آثار محل قبر وی را محو فرمود...

شیخ صدوق (قدس سره) در كتاب «علل الشرایع» روایت کرده است که از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدند:

لَأَيِّ عِلَّةٍ دُفِنَتْ فَاطِمَةُ بِاللَّيْلِ وَ لَمْ تُدْفَنْ بِالنَّهَارِ؟

به چه دلیل حضرت زهرا (علیها السلام) را شبانه دفن کرده و ایشان را در روز به خاک سپردند؟

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

لِأَنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لَا يُصَلَّى عَلَيْهَا الرَّجُلَانِ الْأَعْرَابِيَانِ. (۲)

زیرا که آن حضرت (علیها السلام) وصیت نمود که آن دو عرب جاهلی، بر جنازه وی نماز نخوانند.

ص: ۳۵

۱- الكافی، ج ۱، ص ۴۵۸.

۲- علل الشرایع، ص ۱۸۵.

حضرت فاطمه (علیها السّلام) با وصیّت به اخفای قبر مقدّسشان، نشان دادند که از دست حاکمانِ زمان، ظلم ها و ستم های فراوان کشیدند؛ و آن هنگام که با جسمی رنج دیده، قلبی تفتیده و روحی غضبناک و خشمگین بر ستمگران و غاصبانِ زمان، در بستر شهادت آرمیدند؛ اعلام فرمودند: راضی به شرکت سردمدارانِ غاصب در مراسم تجهیز و تدفینشان نمی باشند.

آری، موضوع «اختفای قبر» حضرت فاطمه زهر (علیها السّلام)، نشانه جاودانگی غضب صدیقه طاهره (علیها السّلام) بر ابوبکر بوده و یک سند زنده بر بطلان مکتب خلفا و نیز ویرانگرِ مکتب های فکری برخاسته از این حکومت نامشروع می باشد.

وصیّت به اخفای قبر، تا روز قیامت، «خشم آسمانی و غضب الهی حضرت زهرا (علیها السّلام) بر خلفا» را از هر گزندی محافظت نموده و این ندای جانسوز را در سراسر گیتی به گوش حقیقت جویان و دین طلبان می رساند که:

و لایّ الامور تُدْفَنُ سِرّاً *** بِضَعُهُ الْمُصْطَفَى وَ يُعْفَى ثَرَاهَا؟

أَمْ لایّ الامور تُجْهَلُ قَدْرًا *** بِنْتُ خَیْرِ الْوَرَى فَتُجْهَلُ قَبْرًا؟

به چه علت باید پاره تن پیامبرِ مصطفی، مخفیانه دفن گردد و آثار قبرش محو شود؟ یا چرا باید قدر و منزلتِ دخترِ بهترین مردمان، مجهول باشد و قبرش نامعلوم بماند؟

گفتار دوم: تبیین رابطه «اقامه عزا در ایام فاطمیه» با «تحکیم عقیده به امامت»

اقامه عزا در ایام فاطمیّه، عیان ترین نشانه نجات برای حق جویان و بهترین طریق هدایت برای دین طلبان است.

برافراشتن پرچم های عزا و برپایی مراسم سوگواری بر مصائب جسمی و رنج های روحی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، سریع ترین وسیله اعلان بطلان مکتبی است که پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پدید آمد و با اتکا به غضب خلافت امیر المؤمنین (علیه السلام)، در مقابل مکتب اهل بیت (علیهم السلام) ایستاد تا آن را نابود سازد.

عزاداری در سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) زنده نگه دارنده غضب الهی حضرت فاطمه (علیها السلام) بر ابوبکر است.

همان خشم آسمانی که نظام خلافت سقیفه ای را رسوا ساخت و مظلومیت امیر المؤمنین (علیه السلام) را برای همیشه فریاد کرد.

ص: ۳۷

آری، این اشک و آه و ناله های شیعیان در ایام شهادت صدیقه طاهره (علیها السلام)، برای آن است که همواره ذکر مبارک آن سیده النساء (علیها السلام) در دل ها زنده نگه داشته شود و روشن دلان با هدف را به تفکر و تحرک وادارند تا برای پی بردن به راز دل و سوز درونی شیعیان، در وادی پژوهش و تحقیق قدم نهند و سرانجام، «راهنمایان ناصح» را از «راهزنان خائن» جدا سازند. (۱)

آری، اقامه عزا در ایام فاطمیّه، احیای غضب الهی و همیشگی حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر و اعلان غضب خلافت علوی پس از رحلت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) است.

بنابراین، احیای فرهنگ فاطمیّه، در واقع احیای امر امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اعلان حقانیت مکتب اهل بیت (علیهم السلام) می باشد؛ که:

وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ يَوْمَ الْغَدِيرِ. (۲)

به امید آن که عزاداری های شیعیان، جامعه گم کرده راه را از لب پرتگاه نابودی و هلاکت دائمی به کناری کشیده و به مسیر سعادت و هدایت، رهنمون سازد.

ص: ۳۸

-
- ۱- به داستان گرایش «عبدالمنعم حسن سودانی» به تشیع اثنی عشری، در کتاب او به نام «بنور فاطمه اهدتیت» مراجعه فرمایید.
 - ۲- عبارت فوق، فرازی از حدیث شریف امام محمد باقر (علیه السلام) می باشد که از جلد دوم کتاب الاصول من الکافی، باب دعائم الاسلام نقل گردیده است.

فصل دوم : مبانی استناد به اسناد غضب، در راستای احیای فرهنگ فاطمیّه

اشاره

ص: ۳۹

گفتار یکم: آشنایی با اسناد غضب حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر

مقدمه

در این فصل به تشریح هسته مرکزی فصل یکم می پردازیم. بدین منظور، ابتدا اسناد حاکی از غضب حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر را از منابع اهل سنت، مرور می نماییم. سپس، اهداف و انگیزه های راویان و نگارندگان این حقایق تاریخی را بررسی و تحلیل می کنیم.

در گفتار سوم، به شیوه علمی استناد به اسناد غضب اشاره نموده و به دنبال آن، به بررسی و نقد تمهیداتی خواهیم پرداخت که جهت ممانعت از «استناد شیعیان به این حقایق مهم تاریخی» طراحی شده اند. [\(۱\)](#)

ص: ۴۱

۱- اسناد و مدارکی را که در گفتارهای این فصل ملاحظه می فرمایید، از کتابهای «احراق بیت الزهراء (علیها السلام)» (تألیف: سید محمد حسین سجّاد) و «مِحْنَةُ فَاطِمَةَ (علیها السلام)» (تألیف: شیخ عبدالله ناصر) برگرفته ایم.

عَنْ ابْنِ شَهَابٍ عَنْ عَزْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ:

سند شماره ۱ و ۲)

سند شماره ۱ و ۲) (۱)

فَوَجَدتْ فَاطِمَةَ عَلٰى اَبٰى بَكْرٍ فِى ذٰلِكَ، فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمْهُ حَتّٰى تُوفِّتْ.. (۲)

[در ماجرای اختلافات مالی و مواجهه با عکس العمل ناعادلانه خلیفه] فاطمه بر ابوبکر خشمگین شد، پس با او قطع رابطه کرد و [به نشانه اعراض و روی برگرداندن از ابوبکر] با او سخن نگفت تا از دنیا رفت.

سند شماره ۳ و ۴)

فَغَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللّٰهِ، فَهَجَرَتْ اَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مِهَاجِرَتْهُ حَتّٰى تُوفِّتْ. (۳)

فاطمه بر ابوبکر غضبناک شد و با او قطع رابطه کرد و این قطع رابطه و قهر وی تا وفاتش ادامه یافت.

سند شماره ۵ و ۶)

فَهَجَرَتْهُ فَاطِمَةُ، فَلَمْ تُكَلِّمْهُ حَتّٰى مَاتَتْ. (۴)

[در ماجرای غصب اموال] فاطمه با ابوبکر قطع رابطه کرد؛ پس با ابوبکر سخن نگفت تا از دنیا رفت.

ص: ۴۲

۱- جهت آشنایی با منابعی که اسناد غضب را نقل نموده اند، به کتاب های «جوامع حدیثی اهل سنت» (تألیف: دکتر مجید معارف)؛ «منابع» تاریخ اسلام (تألیف: رسول جعفریان)؛ «علم التاریخ و مناهج المورّخین» (تألیف: صائب عبدالحمید) رجوع نمایید.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳؛ [نقل مشابه: صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴. ادامه سخن عایشه را در صفحه ۷۴ ملاحظه فرمایید.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره ۲۸۶۲؛ [نقل مشابه: مسند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۲۵.

۴- صحیح بخاری، حدیث شماره ۶۲۳۰؛ [نقل مشابه: تاریخ المدینه (تألیف: ابن شُبّه)، ج ۱، ص ۱۹۷.

سند شماره ۷

فَوَجَدتْ فَاطِمَةَ عَلٰى اَبٰى بَكْرٍ فِى ذٰلِكَ. (۱)

[در ماجرای مطالبه حقوق مالی، یعنی: دادخواست استرداد میراث، فیء، فدک و مابقی خمس خیبر] فاطمه بر ابوبکر خشمگین و غضبناک شد.

سند شماره ۸

فَغَضِبَتْ فَاطِمَةُ فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تَزَلْ بِذٰلِكَ حَتّٰى تُوفِّتِ. (۲)

[در ماجرای دادخواست مالی از ابوبکر] فاطمه خشم گرفت و غضب کرد و ابوبکر را ترک نمود و این قطع رابطه، پیوسته ادامه داشت تا از دنیا رفت.

سند شماره ۹

فَغَضِبَتْ وَ هَجَرَتْ اَبَا بَكْرٍ حَتّٰى تُوفِّتِ.. (۳)

[در ماجرای حقوق مالی و مطالبه آن، فاطمه (علیها السلام)] بر ابوبکر غضب نمود و با او قطع رابطه کرد تا از دنیا رفت.

سند شماره ۱۰

فَوَجَدتْ فَاطِمَةَ عَلٰى اَبٰى بَكْرٍ فِى ذٰلِكَ، فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تَزَلْ مَهَاجِرَتْهُ حَتّٰى تُوفِّتِ.. (۴)

[در ماجرای غضب اموال] فاطمه بر ابوبکر غضب کرد و با او قطع رابطه نمود تا از دنیا رفت.

ص: ۴۳

۱- مسند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۵۲.

۲- جامع الأصول (تألیف: ابن اثیر)، ج ۱۰، ص ۳۸۶.

۳- تاریخ الاسلام (تألیف: ذهبی)، ص ۲۱.

۴- تاریخ الخمیس (تألیف: دیار بکری)، ج ۲، ص ۱۷۳.

فَوَجَدتْ فَاطِمَةُ عَلیَ اَبی بَکْرٍ فِی ذَلِکَ فَهَجَرَتْهُ، فَلَمْ تُکَلِّمَهُ حَتّٰی تُوفِّیتْ. (۱)

[در ماجرای غضب اموال] فاطمه بر ابوبکر خشمگین شد و با او قطع رابطه کرد و با او سخن نگفت تا از دنیا رفت.

فَوَجَدتْ فَاطِمَةُ عَلِیًّا اَبی بَکْرٍ مِنْ ذَلِکَ. (۲)

[ابوبکر از استرداد اموال غضب شده امتناع کرد و بدین جهت فاطمه بر ابوبکر خشمگین و غضبناک شد.

فَغَضِبَتْ فَاطِمَةُ فَهَجَرَتْ اَبابَکْرٍ فَلَمْ تَرَلْ مَهَاجِرَةً لَهٗ حَتّٰی تُوفِّیتْ. (۳)

[در ماجرای حقوق مالی] فاطمه غضب کرد و ابوبکر را ترک نمود و این قطع رابطه، پیوسته ادامه داشت تا از دنیا رفت.

فَغَضِبَتْ فَاطِمَةُ وَ هَجَرَتْهُ فَلَمْ تُکَلِّمَهُ حَتّٰی مَاتَتْ. (۴)

[در ماجرای غضب اموال توسط ابوبکر] فاطمه غضبناک شد و او را ترک کرد و با او سخن نگفت تا از دنیا رفت.

۱- مشکل الآثار (تألیف: طحاوی)، ج ۱، ص ۴۷-۴۸.

۲- سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰؛ [نقل مشابه:] صحیح ابن حبان، ج ۱۱، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.

۳- سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰؛ [نقل های مشابه:] المصنّف (تألیف: صنعانی)، ج ۵، ص ۴۷۲؛ مسند ابی عوانه، ج ۴، ص ۲۵۱.

۴- سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰.

گفتار دوم: آشنایی با اهداف ناقلان و ثبت کنندگان اسناد غضب

الف) هدف عایشه و اتباع او از نقل این حقایق چه بود؟

اشاره

همان طور که ملاحظه فرمودید، راوی اصلی اسناد و مدارک حاکی از غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر، عایشه(۱) می باشد؛ لذا در نگاه اول، این پرسش مطرح می شود که:

چرا باید چنین اعترافی از سوی عایشه صورت گیرد؟

در حالی که می دانیم: عایشه، دختر ابوبکر بوده و یکی از تلاشگران برای تثبیت پایه های خلافت پدرش محسوب می شود.(۲)

به این پرسش، با ارائه «چهار تحلیل به هم پیوسته» می توان

پاسخ گفت:

ص: ۴۵

۱- جهت آشنایی مختصر با زندگی نامه او، به مقاله «ناکثین» (تألیف: علی ملکی میانجی)، مندرج در کتاب «دانشنامه امام علی(علیه السلام)»، ج ۹، ص ۸۸-۸۹ مراجعه نمایید.

۲- ر.ک: نقش عایشه در تاریخ و احادیث اسلام (تألیف: علامه سید مرتضی عسکری)، ج ۱، ص ۱۱۳ - ۱۴۰؛ ج ۴، ص ۲۲۵-۲۳۳ و ص ۲۴۰ - ۲۴۱.

پس از تصدی خلافت ظاهری توسط امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، این امکان فراهم شد تا آن حضرت (علیه السلام) به احیای حدیث غدیر (۱) و -حتی فراتر از آن - به انتقاد علنی از خلفا (۲) پردازند.

لذا، بیم آن می‌رفت که اگر در مقابل انتقال چنین فرهنگی به نسل‌های آینده «مانعی مستحکم» ایجاد نگردد؛ «استناد به ماجرای غضب» نیز به تدریج فراگیر شود.

از این رو می‌توان گفت: عایشه با نقل «ماجرای غضب» و همراه ساختن آن با ماجرای دروغین «بیعت مختارانه حضرت علی (علیه السلام) با ابوبکر (۳)» (۴)، توانست تا میان «ماجرای حقیقی غضب» و «بیعت مختارانه دروغین»، پیوندی ناگسستنی ایجاد نماید؛ به گونه‌ای که نقل «ماجرای غضب»، همواره مخاطب را به یاد ماجرای «بیعت مختارانه» اندازد.

عایشه با این تمهید، افکار عمومی را به «ماجرای دروغین بیعت مختارانه» معطوف کرد و با زیرکی، اذهان مسلمانان را برای همیشه، از توجه به «معنای واقعی ماجرای غضب و حوادث تلخ هجوم به بیت فاطمه (علیها السلام)» منحرف ساخت. (۵)

ص: ۴۶

۱- ر.ک: چهارده قرن با غدیر (تألیف: محمد باقر انصاری)، ص ۵۰ □ ۵۷.

۲- ر.ک: صحابه از دیدگاه نهج البلاغه (تألیف: داود الهامی)، ص ۵۵ - ۸۴.

۳- نقل عایشه را در صفحه ۷۴ ملاحظه فرمایید.

۴- درباره بیعت مختارانه، به فصل اول از جلد چهارم مجموعه «مظلومی گمشده در سقیفه»، ص ۸۵ - ۱۵۱ مراجعه فرمایید.

۵- همان طور که در صفحات بعد ملاحظه خواهید فرمود، حزب آل زبیر و هواداران آن، در این زمینه به یاری عایشه شتافتند و با جعل و ترویج ماجرای ساختگی دیگری به نام «خواستگاری از دختر ابوجهل» تمام تلاش خود را به کار بستند تا هم زمان با بهره‌گیری از ماجرای دروغین «بیعت مختارانه»، «احادیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السلام)» را نیز تحریف و تخریب نمایند. خاستگاه جعل و ترویج بسیاری از نقل‌هایی که از «اختلافات خانوادگی میان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام)» سخن می‌رانند را باید در همین تحلیل جستجو نمود. جالب است که در راستای دستیابی به این اهداف شوم، نقل‌هایی حاکی از «عتاب و غضب پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر حضرت زهرا (علیها السلام)» نیز جعل شده است. ر.ک: حیاة الصدیقه فاطمه (علیها السلام)، در اسه و تحلیل (تألیف: شیخ محمد جواد طبسی)، ص ۱۵۷-۱۷۹.

او همچنین با ایجاد و القای تعارضی دروغین میان عکس العمل های حضرت زهرا(علیها السلام) و حضرت علی(علیه السلام) (در مقام مواجهه با خلافت ابوبکر) ضمن تأیید خلافت پدرش - آن هم از زبان حضرت امیر(علیه السلام)(۱) - توانست تا از یک سو حضرت علی(علیه السلام) را تحقیر کند(۲) و از سوی دیگر، مذمت حضرت فاطمه(علیه السلام) را به مخاطبینش تلقین نموده و مقام عصمت ایشان را خدشه دار سازد.(۳)

در مجموع می توان گفت: عایشه و اتباعش، اهداف و مقاصد مزورانه و کینه توزانه ای را در نقل این حقیقت دنبال می کرده اند.

ص: ۴۷

۱- ر.ک: الامامه و السياسه (تألیف: ابن قتیبه)، ج ۱، ص ۳۳.

۲- عایشه در توضیح ماجرای دروغین «بیعت مختارانه حضرت علی (علیه السلام) با ابوبکر» از واژه های تحقیر کننده ای همچون «صَرَغَ إِلَى مُصَالِحِهِ ابْنِ بَكْرٍ» (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۷) و یا «فَالْتَمَسَ مُصَالِحَهُ ابْنِ بَكْرٍ وَ مُبَايَعَتَهُ» (صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳؛ صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴) استفاده کرده است. (به نظر می رسد که هدف اصلی او از به کارگیری این گونه عبارات، کاهش فشارهای روانی ناشی از شکستش در جنگ جمل باشد.)

۳- در صفحات بعد، به تصریحات گستاخانه ابن کثیر در این باره، اشاره می کنیم.

نزدیکان، اطرافیان و هوادارانِ عایشه (جناح سیاسی آلزبیر (۱)) کسانی هستند که بر اساس تمایل های حزبی و گرایش های سیاسی، ابوبکر را جانشین پیغمبر و خلیفه بر حق مسلمین می پندارند!

لذا، هنگام شنیدن این ماجرا، اولین مطلبی که به ذهن «مخاطبینِ خاص» عایشه خطور می کند، تأیید ابوبکر و در نتیجه، نکوهش و مذمت حضرت زهرا (علیها السلام) است! (۲)

به عبارت دیگر، نقل این حقیقت، آن هم در فضایی که مخاطب سرسپرده عایشه می باشد؛ قبل از آن که بخواهد موجبات رسوایی ابوبکر را فراهم آورد، باعث در هم کوبیدن شخصیتی است که همواره مورد حسادت و کینه عایشه قرار داشته است.

و این، هدف دیگری است که عایشه، همواره آن را تعقیب می نمود. (۳)

تنها در مقطع کوتاهی از دوران حکومت معاویه که روابط عایشه با وی به تیرگی گرایید (۴)، شاهد نقل فضائلی از اهل بیت (علیهم السلام) توسط عایشه می باشیم. (۵)

ص: ۴۸

۱- ر.ک: مقاله «نقش خاندان زبیر در تدوین سیره نبوی» (تألیف: محمد رضا شریعت پناه) که در کتاب «نقد و بررسی منابع سیره نبوی» به چاپ رسیده است.

۲- برای آشنایی با قرائن صحت این تحلیل، به کتاب «الصحيح من سيرة النبي الأ-عظم» (تألیف: استاد سید جعفر مرتضی عاملی)، ج ۵، ص ۲۴۱ - ۲۴۳ مراجعه نمایید.

۳- برای مثال: کینه توزی های عایشه آن چنان عمیق بود که ابن ابی الحدید معتزلی می نویسد: «..کلامی از عایشه برای علی (علیه السلام) نقل کردند که حاکی از اظهار شادمانی عایشه از مرگ فاطمه (علیها السلام) بود.» (شرح حدیدی، ج ۹، ص ۱۹۸)

۴- ر.ک: نقش عایشه در تاریخ اسلام (تألیف: علامه عسکری)، ج ۳، ص ۱۹۷ - ۲۰۸.

۵- در فضایی که معاویه تمام سعی خود را برای نابودی فضائل اهل بیت (علیهم السلام) به کار می برد؛ نقل این قبیل روایت ها، از شیوه های پر قدرت رویارویی فرهنگی عایشه با معاویه بود.

صرف نظر از استثنای فوق، می توان گفت:

حسادت های شدید و سابقه دار عایشه و کینه توزی های او نسبت به حضرت زهرا(علیها السلام) - که ظهور آن به سال های نخستین پس از هجرت بازمی گردد -، یکی دیگر از انگیزه های نقل این حقیقت است.

در واقع، فضای ذهنی مخاطبین مخصوص عایشه (حزب آل زبیر)، به او این امکان را می داد تا با تکیه بر خلافت ابوبکر و به منظور زیر سؤال بردن شخصیت ملکوتی صدیقه طاهره (علیها السلام)، به نقل این حقیقت پردازد.

طبیعی است که در نگاه چنین مخاطبینی، آگاهی از این حقیقت، به هیچ رو به معنای رسوایی ابوبکر نخواهد بود؟

ص: ۴۹

یکی از سرزنش‌هایی که همواره عایشه را مورد هدف قرار داده، «برپایی جنگ جمل و شکست او در این نبرد خونین» می‌باشد. (۱)

جنگ جمل که به فرماندهی او و با همراهی طلحه و زبیر تدارک و طراحی شد؛ عایشه را در مقابل خلیفه چهارم مسلمین یعنی حضرت علی (علیه السلام) قرار داد.

جمل، فتنه‌ای بود که آتش آن را عایشه برافروخت و خون بسیاری از مسلمانان را بر زمین ریخت و برای نخستین بار در تاریخ اسلام، دو گروه مسلمان را به جنگ با یکدیگر واداشت.

نکته‌ای که در تحلیل نبرد جمل حائز اهمیت می‌باشد، مقابله مسلحانه عایشه با خلیفه مسلمین یعنی امیر المؤمنین علی (علیه السلام) است.

یعنی در این پیکار، عایشه علیه خلیفه مسلمین خروج کرد و برای ستیز با جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله) لشکر کشید و در نهایت نیز، شکست سختی خورد.

حوادث ناگوار جنگ جمل، هویت عایشه را به گونه‌های مختلفی زیر سؤال می‌برد؛ لذا عایشه باید تمهیدی زیرکانه می‌آفرید تا هم این فضا را تا حد امکان تعدیل نماید و هم از وضع موجود، بیشترین بهره را به نفع خود ببرد.

به ذهن عایشه خطور کرد که از زبان خود، فرد دیگری را به اطرافیانش معرفی کند که او نیز روزگاری نه چندان دور، در مقابل خلیفه پیغمبر ایستاده بود!

ص: ۵۰

۱- ر.ک: سبعة من السلف (تألیف: علامه سید مرتضی فیروزآبادی) [بتحقیق جدید]، ص ۲۵۵ - ۲۶۶؛ اجتهاد در مقابل نص (تألیف: علامه شرف الدین - ترجمه: علی دوانی)، ص ۴۱۵-۴۴۷.

از آن جایی که در فضای فکری عموم مسلمانان آن زمان، چندان فرقی میان خلافت ابوبکر و خلافت حضرت علی (علیه السلام) وجود نداشت و در این تلقی، هر دو به یک میزان، خلیفه برحق پیامبر محسوب می شدند(۱)؛ نقل ماجرای غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر، بهترین چاره مشکل بود. لذا، عایشه - به واسطه هوادارانش(۲) به ویژه خواهرزاده اش عروه بن زبیر(۳) (متوفی ۹۴ ق) - به نشر این حقیقت اقدام کرد تا در اذهان عمومی این شبهه را القا کند که:

اگر عایشه به دختر خلیفه اول و همسر پیامبر - در مقابل خلیفه چهارم مسلمین یعنی حضرت علی ایستاد و با وی جنگید، چندان جای سرزنش ندارد، زیرا که فاطمه - دختر پیغمبر - هم در مقابل خلیفه اول مسلمین ایستاد و بر او غضب نمود و این غضبش نیز پیوسته ادامه داشت تا از دنیا رفت!! لذا: یا عایشه را تبرئه کنید!

و یا فاطمه را نیز همانند عایشه سرزنش نمایید!!

و هر دو حالت فوق، به نفع عایشه و در راستای اهداف او قرار داشت!

ص: ۵۲

۱- همان طور که ملاحظه می فرمایید، فضا سازی این تحلیل بر اساس تلقی مردم آن زمان از خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) صورت گرفته است و منعکس کننده عقیده خالص شیعی نمی باشد.

۲- منظور «جناح آل زبیر» میباشد که توسط عبدالله بن زبیر (متوفی ۷۳ ق) اداره می شد و از حامیان اهداف سیاسی - فرهنگی عایشه بود. ر.ک: سیری در صحیحین (تألیف: استاد محمد صادق نجمی)، ج ۱، ص ۱۰۸ - ۱۰۹؛ نقش عایشه در تاریخ اسلام (تألیف: علامه عسکری)، ج ۲، ص ۲۶۱-۲۶۸.

۳- جهت آشنایی مختصر با زندگی نامه او، به مقاله «ناکثین» (تألیف: علی ملکی میانجی)، مندرج در کتاب «دانشنامه امام علی (علیه السلام)»، ج ۹، ص ۱۱۹ و نیز، جهت آشنایی تفصیلی، به کتاب «الامام البخاری» (تألیف: استاد حسین غیب غلامی هرساوی)، ص ۲۹۶ - ۳۰۲ مراجعه نمایید.

آخرین روایتگر و مروّج اصلی این ماجرا، فردی به نام ابن شهاب زُهری (متوفی ۱۲۴ ق) است (۱) که این ماجرا را به واسطهٔ عرواق بن زبیر و به نقل از عایشه ترویج کرده است.

باید توجه داشت که ابن شهاب زُهری این حقیقت را در شرایطی نقل نموده که فضای جامعه، به دنبال تبلیغات دروغین معاویه، به شدت به نفع خلفای ثلاثه مسموم گردیده است. (۲)

در فضایی که به احادیث ساختگی و دروغین فراوانی به منظور فضیلت تراشی برای خلفای ثلاثه (آلوده می باشد؛ بدیهی است که نقل این حقیقت، آن هم از زبان عایشه (که داستان ساختگی «بیعت مختارانه» را نیز به همراه خود دارد)، ضربهٔ بسیار سنگینی بر بنی هاشم و آل علی (علیهم السّلام) محسوب شود.

همچنین، کینه توزی های بنی امیه نسبت به اهل بیت (علیهم السّلام) و حمایت های آنان از اهداف فرهنگی اتباع عایشه، این امکان را برای ابن شهاب زُهری فراهم می ساخت تا با نقل این حقیقت، اهداف چندگانه بنی امیه، عایشه و آل زبیر را تأمین نماید.

ص: ۵۲

۱- جهت آشنایی کامل با او، به کتاب «الامام البخاری» (تألیف: استاد حسین غیب غلامی هرساوی)، ص ۳۰۸-۳۴۷ مراجعه فرمایید.

۲- ر.ک: نقش عایشه در تاریخ اسلام (تألیف: علامه عسکری)، ج ۳، ص ۲۴۹ - ۲۹۱؛ سیری در صحیحین (تألیف: استاد محمّد صادق نجمی)، ج ۱، ص ۵۰-۵۴؛ مقاله «سَبّ» (تألیف: محمّدعلی جاودان)، مندرج در کتاب «دانشنامهٔ امام علی (علیه السّلام)»، ج ۹، ص ۳۲۵ - ۳۲۸.

ب) هدف حدیث نگاران اهل سنت از ثبت این حقایق چیست؟

مقدمه چینی برای تحلیل و تفسیر

مقدمه الف)

اشاره

شاید در یک نگاه ابتدایی به منابع مکتوب مکتب خلفا، چنین به نظر آید که تاریخ نویسان و حدیث نگاران اهل سنت، برای حفظ موقعیت و اعتبار علمی خود، چاره ای جز نقل برخی وقایع مسلم و حقایق قطعی تاریخی (که علیه مکتب خلفا می باشد)، نداشته اند.

لذا علت ثبت نقل هایی همانند «غضب حضرت فاطمه (علیها السلام) بر ابوبکر» را می توان در همین نکته جستجو نمود.

در پاسخ می گوئیم:

شواهد گویا و انکارناپذیری در اختیار است (۱) که بر اساس آن ها می توان گفت:

ص: ۵۳

۱- ر.ک: محاضرات فی الاعتقادات (تألیف: استاد سید علی حسینی میلانی)، ج ۲، التحریفات و التصرفات فی کتب السنه. ر.ک: رویکرد الغدیر به تحریف، پژوهشی در گزارشهای الغدیر از تحریف روایات فضایل و مناقب علوی در کتب اهل سنت (تألیف: روح الله عباسی). ر.ک: الهجوم علی بیت فاطمه (علیها السلام) (تألیف: استاد شیخ عبدالزهره مهدی)، ص ۴۶۷ - ۴۸۲. ر.ک: معالم المدرستین (تألیف: علامه عسکری)، ج ۱، ص ۲۴۳ - ۲۹۳.

محدثین و مورّخین اهل سنّت تنها در دو حالت به نقل حقایق پرداخته اند که معنا و دلالتِ واقعی آن‌ها، به صراحت و وضوح کامل «رسواگر مکتب خلفا» می باشد.

حالت اول: از معنا و دلالتِ واقعی این حقایق غافل مانده اند.

(لازم به ذکر است که حرکت خزننده ای جهت حذف این قبیل نقل‌ها، توسط ناشرین اهل سنّت در حال شکل‌گیری است.) (۱)

حالت دوم: توانسته اند «به نوعی» معنا و دلالتِ واقعی این حقایق را مخدوش سازند.

همانند این که:

(۱) توانسته اند برای آن حقیقتِ مسلمِ تاریخی، «مشابه»هایی جعلی و دروغین بسازند و به ثبت برسانند.

(۲) توانسته اند با ایجاد تغییر در معنای برخی واژه‌های کلیدی دلالت آن حقیقتِ مسلمِ تاریخی را «تأویل و دگروار» سازند.

(تحریف معنوی)

(۳) توانسته اند با درج نقل‌های «متصل یا منفصل» ساختگی یا با تکیه بر «بسترهای اعتقادی مخاطب»، آن حقیقتِ مسلمِ تاریخی را از حجّیت و اعتبار ساقط نمایند و یا معنای آن را (به طور کامل یا ناقص) به نفع خلفا و علیه اهل بیت (علیهم السلام) تغییر دهند.

(۴) توانسته اند با درج آن حقیقتِ مسلمِ تاریخی در ذیل «ابواب

ص: ۵۴

۱- ر.ک: مقاله «إعراف الکتب المحرّفة» (تألیف: علامه سید جعفر مرتضی عاملی)، مندرج در کتاب «دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام»، ج ۱.

نامتناسب»^(۱) دسترسی به آن وقایع را مشکل سازند.

۵) توانسته اند با «حذف» برخی از واژه های کلیدی با «الحاق» برخی عبارات نامتناسب، معنای واقعی آن حقیقتِ مسلمِ تاریخی را گنگ و نامفهوم گردانند.

۶) توانسته اند نقل های واقعی و ساختگی را به گونه ای در کنار هم تنظیم کنند که خواننده را در شناخت آن حقیقتِ مسلمِ تاریخی «گیج و سرگردان» نمایند.

۷) توانسته اند نقل های واقعی و ساختگی را به گونه ای در کنار هم تنظیم کنند که معنای واقعی آن حقیقتِ مسلمِ تاریخی را به نفع خلفا تحریف کرده و «توجیه کنند».

خارج از دو حالت مذکور، محدثین و مورّخین اهل سنت، هیچ ابایی از حذف وقایع قطعی تاریخی نداشته اند و حذف و تحریف حقایق، نه تنها هیچ لطمه ای به شهرت و اعتبار علمی آن ها وارد نساخته، بلکه با کمال تعجب باید گفت:

موجب ترویج آثار آنان هم گردیده است!^(۲)

ص: ۵۵

۱- این اقدام به دو شکل صورت گرفته است: الف) عناوین واضح و روشنی برای ابواب کتاب خود انتخاب نکرده اند. ب) نقل ها را در موضع مناسب خود نیاورده اند؛ به گونه ای که خواننده می پندارد: بسیاری از نقل ها در این کتاب موجود نمی باشد!

۲- جهت آشنایی با برخی از این ترویج ها، به کتاب «سیری در صحیحین» (تألیف: استاد محمّد صادق نجمی)، ج ۱، ص ۷۱-۸۲ مراجعه نمایید.

همچنین حدیث نگارانی که خواسته اند تا با ثبت برخی حقایق، برای خود شهرتی به دست آورند یا به رقابتی پنهان با دیگران پردازند؛ با تضعیفات جدی درباره شخصیت علمی و هویت مذهبی شان مواجه شده اند؛ که بهترین نمونه آن، حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ ق) می باشد. (۱)

جالب تر آن که، بزرگان اهل سنت در مسیر دفاع از مکتب خلفاء حتی از اعلان مخالفت خود با سنت قطعی و مسلم نبوی، هیچ ابایی نداشته و با صراحت، به مواردی از مصادیق این مخالفت، اذعان و اعتراف کرده اند. (۲)

نتیجه گیری

تاریخ نویسان و حدیث نگاران اهل سنت، اهداف و مقاصد سوئی را در نقل اسناد تاریخی «غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر» دنبال می کرده اند.

ص: ۵۶

۱- ر.ک: جوامع حدیثی اهل سنت (تألیف: دکتر مجید معارف)، ص ۱۲۴-۱۲۰.

۲- ر.ک: محاضرات فی الاعتقادات (تألیف: استاد سید علی حسینی میلانی)، ج ۲، ص ۶۶۶-۶۶۷.

با گذشت زمان و نزدیک شدن به دوران حیات بخاری (متوفی ۲۵۶ ق) و مسلم (متوفی ۲۶۱ ق) (۱)، پیکره فکری مکتب خلفا نیز به تدریج شکل می گرفت. (۲)

روشن است که در این شرایط، شاخصه اصلی هویت اهل سنت، عقیده به حقیقت خلافت ابوبکر و تلاش برای دفاع همه جانبه از آن می باشد. (۳)

در واقع می توان گفت:

دوران حدیث نگاری در میان اهل سنت (سال ۹۹ ق)، با نهادینه شدن تلاش های فرهنگ سازانه عایشه و معاویه در فکر و اندیشه

ص: ۵۷

۱- جهت آشنایی با تعصب شدید این دو محدث اهل سنت، به کتاب «سیری در صحیحین» (تألیف: استاد محمّد صادق نجمی)، ج ۱، ص ۱۱۲ - ۱۲۰ مراجعه فرمایید.

۲- ر.ک: الامام البخاری (تألیف: استاد حسین غیب غلامی هرساوی)، ص ۱۵۵ - ۱۹۷.

۳- جهت آشنایی با برخی نمونه ها، به دو کتاب «علی بن ابی طالب (علیه السلام) و حدیث تربیع» و «علی بن ابیطالب (علیه السلام) و حدیث استخلاف» (تألیف: استاد حسین غیب غلامی هرساوی) مراجعه فرمایید.

مسلمانان همراه شده بود و مکتب خلفا، بهره‌های سیاسی فراوانی از آن می‌برد. (۱)

رنگ پذیرای عقاید مسلمانان از فرهنگ سازی‌های عایشه - که توسط آل زبیر صورت گرفته بود. در کنار سایه شوم تبلیغات گسترده بنی امیه به نفع خلفا، این امکان را برای امثال بخاری و مسلم فراهم می‌ساخت (۲) تا با درج این حقیقت در کتاب‌های خود، اسناد و مدارک «حقیقت خلافت ابوبکر» را به ثبت برسانند؟

زیرا نقل عایشه از ماجرای غضب، به تفصیل از ماجرای دروغین «بیعت مختارانه» نیز سخن می‌گفت و در نتیجه، خلافت ابوبکر را به شدت، تأیید می‌نمود.

آری! فضای فکری و فرهنگی در زمان نگارش کتاب‌هایی همانند «صحیح بخاری و مسلم»، به گونه‌ای شکل یافته بود که در نگاه اول، خوانندگان این کتاب‌ها، هیچ معنایی را از «ماجرای حقیقی غضب» جز مذمت و سرزنش حضرت زهرا (علیها السلام) استنباط نمی‌کردند؛ زیرا با گذشت زمان، عقیده راسخ به حقیقت خلافت ابوبکر «به عنوان اولین جانشین برحق پیامبر!»، جزئی از دستگاه فکری اهل سنت گردیده بود؛ به نحوی که آنان هیچ تردیدی در این زمینه به خود راه نمی‌دادند؟

برای مثال می‌توان به عکس‌العمل‌های تند پیروان مکتب خلفا در

ص: ۵۸

۱- ر.ک: تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام (تألیف: دکتر علی اکبر حسنی)، ج ۱، ص ۵۷ - ۵۹ و ج ۲، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۲- در کتاب «صحیح بخاری» تعداد ۱۲۰۵ حدیث از ابن شهاب زهری و تعداد ۸۱۲ حدیث از عرو بن زبیر به ثبت رسیده است.

سال ۳۰۳ هجری، در مواجهه با «ابوعبدالرحمان نسائی»^(۱) اشاره کرد.

برخوردهای خشونت آمیز هواداران خلفا با «نسائی» و ضرب و شتم او به جرم نقل برخی از فضایل علوی (علیه السلام)، سرانجام به قتل او انجامید.^(۲)

ص: ۵۹

-
- ۱- کتاب او به نام «السنن الکبری» از منابع حدیثی اهل سنت به شمار می آید.
 - ۲- ر.ک: جوامع حدیثی اهل سنت (تألیف: دکتر مجید معارف)، ص ۱۴۸ - ۱۴۹.

ثبت این حقایق در منابع حدیثی و تاریخی مکتب خلفا، در راستای هدف اصلی نویسندگان آنها، یعنی «تأیید خلافت ابوبکر» و هدف ثانوی آنها، یعنی «شخصیت پردازی کاذب عایشه و انتقال آن به آیندگان» قرار داشت. (۱)

ماجرای «بیعت مختارانه»، هدف نخستین آن ها را به طور کامل و مستقیم تأمین می نمود.

هدف دوم نیز به طور غیر مستقیم برآورده می شد؛ زیرا:

لازمه بزرگ نمایی عایشه، تحقیر شخصیت برجسته و شکوهمند

حضرت فاطمه (علیها السلام) بود (۲) و ثبت این حقایق، علاوه بر تأمین هدف نخست، ضربه بزرگی نیز بر شخصیت آسمانی صدیقه طاهره (علیها السلام) وارد می ساخت. (۳)

ص: ۶۰

۱- ر.ک: سیری در صحیحین (تألیف: استاد محمد صادق نجمی)، ج ۲، ص ۱۵۱ - ۱۵۴. در کتاب های صحیح بخاری و مسلم» تعداد ۱۱۳۵ و ۱۵۱۱ حدیث از عایشه نقل شده است.

۲- برای آشنایی با برخی نمونه های دیگر، به کتاب «حیاه الصدیقه فاطمه (علیها السلام)، در اسه و تحلیل» (تألیف: شیخ محمد جواد طبسی)، ص ۱۵۷ - ۱۷۹ مراجعه فرمایید.

۳- تمایلات مذهبی بخاری، اجازه ثبت چنین حقایقی را به او می داد. ر.ک: الامام البخاری (تألیف: استاد حسین غیب غلامی هرساوی)، ص ۱۹۲ - ۱۹۷ و ص ۲۷۵. ۲۸۰.

حدیث نگاران و تاریخ نویسانی که «پس از این نسل» به تدوین و تألیف آثار خود پرداخته اند؛ به چند دلیل به ثبت این قبیل اسناد اقدام نموده اند:

الف) پیروی آگاهانه از اهداف شوم اساتید خود.

ب) تقلید ناآگاهانه از شیوه نگارش اساتید خود.

ج) غفلت ساده لوحانه از نتایجی که ثبت این قبیل نقلها به دنبال خود می آورد و می توانست ابوبکر را رسوا سازد.

د) کسب شهرت به دلیل ثبت نقل هایی که دیگران از درج آن ها اجتناب ورزیده اند.

ناقلان و نگارندگان ماجرای غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر، در مسیر تأمین اهداف خود و به ویژه، منحرف ساختن افکار عمومی از دلالت واقعی این حقایق تاریخی، تمهیدات متعددی را اندیشیده اند که عبارتند از :

ادّعی واهی بیعت مختارانه امیرالمؤمنین(علیه السلام) بلافاصله پس از درگذشت حضرت فاطمه (علیها السلام).

تمهید یکم: افسانه‌خواستگاری حضرت علی (علیه السلام) از دختر ابو جهل.

تمهید دوم: ماجرای ساختگی راضی شدن حضرت زهرا (علیها السلام) از ابوبکر.

تمهید سوم: ادعای دروغین حضور ابوبکر در مراسم تدفین حضرت زهرا (علیها السلام).

تمهید چهارم: ادعای واهی عدم تحقق خشم حضرت فاطمه (علیها السلام) نسبت به ابوبکر، در ماجرای مطالبه فدک و سایر حقوق مالی.

تمهید پنجم: ادعای واهی عدم تحقق غضب و مصادره اموال حضرت زهرا (علیها السلام) توسط ابوبکر.

روشن است که پذیرش محتوای هریک از این تمهیدات، راه هرگونه استفاده از ماجرای غضب را «جهت رسواسازی ابوبکر» مسدود می نماید و افکار عمومی را از فهم معنای صحیح این حقایق محروم می سازد. از این رو، در مسیر دفاع از «خشم و غضب الهی حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر» آگاهی از محتوای این تمهیدات و آشنایی با روش های علمی خنثی سازی این توطئه ها، ضرورت داشته و از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد.

شیعه در مقام مواجهه با این تمهیدات، چگونه عمل می کند؟

شیعه در مقام مواجهه با این تمهیدات، چگونه عمل می کند؟(۱)

در مقام مواجهه با تمهیدات یاد شده- که اغلب به نقل هایی برگرفته از کتب اهل سنت نیز متکی می باشند،، کافی است تا نقل های معارض با آن ها را از منابع مکتب خلفا بر شمیریم.(۲)

به عبارت دیگر، با ارائه نقل های متعارض با «نقل های مرتبط با این قبیل تمهیدات»، می توان اعتبار «نتیجه گیری از دلالت آن ها» را در هاله ای از ابهام فرو بُرد و تمهید را از قطعیت خارج ساخت.

چرا که با ایجاد چنین تقابل و تعارضی، توانسته ایم «احتمال

ص: ۶۵

۱- این روش با بهره گیری از شیوه علمی استاد سید جعفر مرتضی عاملی در نگارش کتاب «الصحيح من سيرة النبي الأعظم». به ویژه مقدمه ایشان در آغاز این اثر به استخراج گردیده است.

۲- در این مرحله، اگر بخواهیم به افرادی خاص از مورخان و حدیث نگاران مکتب خلفا و یا به کتاب هایی محدود و معین از این مکتب اکتفا کنیم؛ بسیاری از اسناد مهمی که در جاهای مختلف و به وسیله افراد غیر معروف به ثبت رسیده اند را از دست می دهیم. زیرا این احتمال وجود دارد که برخی اسناد مهم، تنها به دلیل: الف) غفلت نگارندگان (حین نگارش کتاب) ب) عدم شهرت آنان و یا کتابشان (حین استنساخ و تکثیر) از تیررس حذف و تحریف مصون و محفوظ مانده باشند.

وقوع خطا و لغزش» در نتیجه گیری های شبهه افکنان را به شدت تقویت نماییم.

در این جا، کافی است تا از تمهیدسازان بخواهیم تا در مرحله نخست، این تعارض صریح و تضاد آشکار میان نقل های مندرج در منابع مورد قبول خودشان را برطرف سازند.

در چنین شرایطی، یا شبهه افکن نقل های مورد استناد ما را جعلی قلمداد می کند؛ که در این صورت بر اعتبار علمی بسیاری از منابع مکتب خلفا، خط بطلان کشیده و هویت مؤلفین این قبیل آثار را مخدوش ساخته است.

و یا بایستی از پافشاری بر طرح شبهه اش، صرف نظر نماید.

تذکری در حاشیه

اگر شبهه افکن بخواهد نقل های مورد استناد ما را تضعیف کرده و یا شبهات جدیدی را در اطراف این دسته از نقل ها مطرح سازد؛ ما نیز باید در تقویت صحت و اعتبار علمی نقل هایی که ارائه نموده ایم، بکوشیم. لذا، همیشه باید نکات نابی را برای این مرحله، ذخیره و پس انداز نمود. از این رو، بهتر است که در هنگام مناظره (بر خلاف نظم متداول)، «بررسی سندی»^(۱) نقل هایی که شبهه افکن بدان ها استناد می جوید را به تأخیر انداخت.

ص: ۶۶

۱- همانند: توجه به طبقات راویان و دقت در علایق سیاسی آنان.

شیعه در مقام قضاوت میان نقل های متعارض مکتب خلفا، چگونه عمل می کند؟

در این مقام، برای اثبات اعتبار یک دسته از نقل های اهل سنت و تنفیذ بطلان دسته دیگر، به قرائن محکم و معتبر بیرونی نیازمندیم.

اگر اخبار در شرح یک واقعه، دارای اختلافات فراوانی باشند (وجود تناقض میان نقل ها) به گونه ای که حقیقت ماجرا روشن نشود؛ محقق بایستی «میزانی» در اختیار داشته باشد تا بتواند اسناد متضاد را به آن عرضه کند.

به عبارت دیگر، محقق بایستی جهت خروج از تقابل میان نقل ها و رسیدن به حقیقت ماجرا، نخست به «پایه هایی محکم و غیر قابل تردید» دست یابد و سپس به بررسی نقل های متعارض، اقدام نماید.

به مصادیق چنین میزان و پایه ای «قرائن محکم و معتبر بیرونی

می گویند.

ص: ۶۷

برخی از این قرائن عبارتند از: (۱)

الف) عقاید مسلم امامیه؛ همانند: عقیده به عصمت اهل بیت (علیهم السلام)؟ .

ب) احادیث معتبر اهل بیت (علیهم السلام) در آن موضوع خاص؛ همانند: وصیت حضرت فاطمه (علیها السلام) به دفن شبانه و مخفیانه.

ج) ضرورت های تاریخی در مذهب تشیع اثنی عشری؛ همانند: پنهان بودن قبر حضرت زهرا (علیها السلام).

د) توجه به عدم حضور عوامل تحریف در نقل ها. (۲)

بدین ترتیب، نقل های موافق با این قرائن، از نو دارای اعتبار شده و نقل های ناموافق، جعلی و ساختگی اعلام می گردند. (۳)

ص: ۶۸

۱- ر.ک: مجموعه مقالات نکوداشت علامه سید جعفر مرتضی عاملی که تحت عنوان «رویکرد «الصحيح» به سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله)» به چاپ رسیده است.

۲- رعایت این معیار، مستلزم شناخت عمیق و دقیقی از عوامل تحریف در تاریخ و احادیث اسلام، به ویژه آگاهی از جناح بندی های پیچیده سیاسی در قرون اولیه می باشد تا محقق بتواند «محتوای رد پای عوامل تحریف» را نیز به دقت شناسایی نماید.

۳- در مجموع می توان گفت: همه نقل های مندرج در منابع مکتب خلفا، محکوم به بطلان اند و تنها در صورتی واجد اعتبار می شوند که «قرائن محکم و معتبر بیرونی» آن ها را تأیید نمایند. در خارج از این فضا، استناد شیعه به این نقل ها، تنها به منظور «ملتزم ساختن اهل سنت به قبول دلالت اسناد مندرج در منابع مورد تأیید خودشان» صورت می گیرد و فاقد هر نوع اعتباربخشی است.

ه) البته، پس از حلّ تعارض میان نقل‌های اهل سنت در موضوعی خاص، می‌توان آن دسته از نقل‌های اعتبار یافته را نیز، به عنوان قرینه محکم بیرونی به کار بست.

به عبارت دیگر، نقل‌هایی که در یک تناقض، صحت و اعتبار خود را باز یافته‌اند، می‌توانند در موضوع دیگری، به عنوان «قرینه معتبر بیرونی» کاربرد داشته باشند.

البته این دسته از قرائن، بیشترین کاربرد را در مناظره‌ها و دفع شبهات دارند؛ در حالی که چهار مورد نخست، بیشتر در پژوهش‌ها و تحلیل‌های «درون شیعی»^(۱) مورد استفاده محقق قرار می‌گیرند.

ص: ۶۹

۱- شاید این سؤال در ذهن خواننده گرامی مطرح شود که: «نقل‌های اعتبار یافته از قرائن معتبری که مبنای درون شیعی دارند، چگونه در مناظره با مخالفان کاربرد دارد؟» در پاسخ می‌گوییم: استناد ما به این قبیل نقل‌ها، متکی بر این مبنا می‌باشد که این اسناد در منابعی به ثبت رسیده‌اند که از نظر اهل سنت، دارای صحت و اعتبار علمی می‌باشند. لذا، پیروان مکتب خلفا بایستی این نقل‌ها را معتبر بدانند و به پذیرش معنا و دلالت آن‌ها نیز ملتزم باشند. به عبارت دیگر، توجه به قرائن معتبر بیرونی (ردیف الف تا دال)، «ملاک ما شیعیان» برای انتخاب نقل‌هایی می‌باشد که می‌خواهیم آن‌ها را «جهت ایجاد تعارض» به مخالفین ارائه دهیم تا بدین وسیله تمهیدات شبهه افکنان را از اعتبار علمی ساقط نماییم. بنابراین، برشمردن این «معیارها» تنها جنبه «آموزشی» دارد و بر عدم لزوم طرح آن‌ها در هنگام مناظره تأکید می‌شود. بار دیگر خاطر نشان می‌گردد در هنگام مواجهه با مخالفان، منطق شیعه در استناد به این قبیل نقل‌ها، درج آن‌ها در منابع مورد قبول اهل سنت می‌باشد.

گفتار چهارم: آشنایی با تمهید عایشه و راه خنثی سازی آن

تمهید عایشه چه بود؟

عایشه، به عنوان نقل کننده حقیقت تاریخی «غضب حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر»، تمهیدی ویژه اندیشیده است. او، بلافاصله پس از نقل این حقیقت تاریخی، از بیعت مختارانه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با ابوبکر سخن می گوید تا این دو ماجرای راست و دروغ، همواره «همراه و همزمان با هم» نقل شوند!!

آری! عایشه، به دنبال نقل ماجرای غضب، از بیعتی دروغین سخن می گوید که بلافاصله پس از درگذشت حضرت فاطمه (علیها السلام) بنا به خواهش و درخواستِ عاجزانه حضرت علی (علیه السلام) رخ داده است!!

ص: ۷۱

در واقع، عایشه با ابداع زیرکانه این دروغ، توانسته است تا با طرح «ماجرای حقیقی غضب»، ضمن تأمین همه اهدافش، بار دیگر بر حقایقیت خلافت پدرش نیز تأکید ورزد!

چنانچه اظهار شده:

«رضایت و بیعت آن حضرت با خلفا نیز دلالت دارد بر این که حکومت ایشان از دیدگاه علی (علیه السلام) نامشروع تلقی نشده است.»^(۱)

به این ترتیب، با نقل این بیعت ساختگی در پایان ماجرای حقیقی «خشم حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر»، همه اهداف عایشه تأمین می گردد.

او به ویژه، با نقل این داستان ساختگی، راه را برای هرگونه استفاده از این حقیقت تاریخی جهت رسواسازی ابوبکر، مسدود ساخته و دلالت ماجرای غضب را «از مسیر اصلی اش» منحرف گردانده است.

وسعت نفوذ و عمق توطئه عایشه را می توان در اظهارات زیر مشاهده نمود:

«علی (علیه السلام) پس از رحلت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) مدت کوتاهی از بیعت با ابوبکر خودداری فرمود، ولی سرانجام با وی موافقت و بیعت کرد.»^(۲)

«حضرت امیر مدّت کوتاهی از بیعت با ابوبکر خودداری فرمود ولی سرانجام با نظر بلندی که داشت با وی بیعت کرد.»^(۳)

ص: ۷۲

۱- مصطفی حسینی طباطبایی: راهی بسوی وحدت اسلامی، ص ۱۷۶.

۲- مصطفی حسینی طباطبایی: راهی بسوی وحدت اسلامی، ص ۱۶۳.

۳- عبدالکریم بی آزار شیرازی: مشعل اتحاد، ص ۲۰.

علی (علیه السّلام) و جماعتی از بزرگان اصحاب و یاران پیغمبر (صلّی الله علیه وآله) از بیعت با خلیفه ای که از طرف آنها انتخاب شده بود خودداری نمودند. اما بعد از مدتی... تن به بیعت در دادند.!(۱)

« و پس از مدّتی خودداری، با خلفای منتخب بیعت فرمود.!(۲)

«بدون اجبار و با اختیار خود با ابوبکر بیعت کرده و ... رفتار آن دو تن را ستوده است.!(۳)

ص: ۷۳

۱- عبدالکریم بی آزار شیرازی: پاره پیامبر، ج ۶، ص ۱۴.

۲- عبدالکریم بی آزار شیرازی: مقاله مندرج در «مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام علی (علیه السّلام)»، ج ۱، ص ۷۰.

۳- محمد واعظ زاده خراسانی: مصاحبه بافصلنامه نهج البلاغه، شماره پیاپی ۴ و ۵، ص ۱۸۱.

ماجرای دروغین بیعت حضرت علی (علیه السلام) با ابوبکر، از زبان عایشه

عایشه، بلافاصله پس از نقل ماجرای حقیقی غضب، مزورانه به وقوع بیعتی ساختگی تصریح می کند و می گوید:

... فَلَمَّا تُوفِّيتُ اسْتَنْكَرَ عَلِيٌّ وَجْهَ النَّاسِ فَالْتَمَسَ مَصَالِحَهُ أَبِي بَكْرٍ وَ مَبَايَعَتَهُ ...

فَدَخَلَ عَلَيْهِمُ أَبُو بَكْرٍ فَتَشْهَدُ عَلِيٌّ فَقَالَ أَنَا قَدْ عَرَفْنَا فَضْلَكَ وَمَا أَعْطَاكَ اللَّهُ وَ لَمْ نَنْفَسْ عَلَيْكَ خَيْرًا سَأَفَهُ اللَّهُ الْيَكِّ ... (۱)

هنگامی که [فاطمه] از دنیا رفت، مردم از علی روی گردان شدند. پس او، آشتی و انجام بیعت با ابوبکر را درخواست نمود. از این رو، برای ابوبکر پیغام داد که نزد وی بیاید.

پس ابوبکر داخل شد و علی تشهّد گفته و ابراز نمود:

ما برتری تو را و آن چه را که خدا به تو عطا کرده است، می دانیم.

ما به خیری که خداوند به جانب تو رانده است، حسادت نکردیم و... (۲)

ص: ۷۴

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳؛ [نقل مشابه: صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴.

۲- انعکاس فزاهای فوق، در «شبهه افکنی های برخی شیعه نماهای معاصر» را می توان در کتاب های زیر مشاهده نمود:

حیدر علی قلمداران: شاهراه اتحاد، ص ۲۰ - ۲۱. عبدالکریم بی آزار شیرازی: سیمای امام متّین، ج ۵، ص ۲۱ - ۲۲.

ماجرای بیعت مختارانه، چه لطمه ای بر دلالت واقعی اسناد غضب وارد می سازد؟

این ماجرای ساختگی، دلالت غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر رسوایی ابوبکر را از «حجیت و اعتبار» ساقط می نماید. چرا که نقل عایشه، مخاطب را به این نتیجه انحرافی خواهد رساند که:

غضب حضرت فاطمه، کدورتی بشری بود و او که نتوانست احساسات زنانه اش را کنترل نماید، به ناحق بر خلیفه پیغمبر، یعنی ابوبکر خشمگین شد!! لذا غضب او بر ابوبکر، فاقد هر گونه اعتبار الهی می باشد!!

چنان که ابن کثیر (متوفی ۷۴۴ ق)، به این برداشت انحرافی .

تصریح کرده و گستاخانه می نویسد:

أَنَّ فَاطِمَةَ حَصَلَ لَهَا وَ هِيَ امْرَأَةٌ مِنَ الْبَشَرِ لَيْسَتْ بِرَاجِيَةِ الْعِصْمَةِ (۱) عَتَبٌ وَ تَعَصُّبٌ وَ لَمْ تُكَلِّمِ الصِّدِّيقَ حَتَّى مَاتَتْ!! (۲)

همانا برای فاطمه - که زنی همانند سایر افراد بشر بوده و معصوم نبوده است . خشم و غضبی حاصل شد و تا زنده بود با صدیق [یعنی ابوبکر] سخن نگفت!

ص: ۷۵

-
- ۱- یعنی امیدی به عصمت وی نمی رود. لازم به ذکر است: نتیجه ای که از عبارت «لَيْسَتْ بِرَاجِيَةِ الْعِصْمَةِ» گرفته می شود، با معنای عبارت «لَيْسَتْ بِوَاجِبَةِ الْعِصْمَةِ» یکسان می باشد.
 - ۲- البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۵، ص ۲۴۹.

و هي امرأة من بنات آدَمَ تأسفُ كما يأسفونَ و ليست بواجبه العصمه مع وجود نص رسول الله و مخالفه أبي بكر الصديق! (1)

فاطمه زنی مانند سایر زنان است. همانند دیگران دچار غم و اندوه می گردد و با وجود تصریح پیامبر و مخالفت با ابوبکر صدیق. فاقد عصمت می باشد؟

ص: ۷۶

۱- البدایه والنهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۵، ص ۲۸۹.

نحوه خنثی سازی توطئه عایشه

همان طور که ملاحظه شد، عایشه پس از نقل ماجرای حقیقی غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر، ادامه سخنش را به گونه ای طراحی کرده است که برای مخاطبش، هیچ راهی جز تأیید خلافت ابوبکر و مذمت و سرزنش حضرت زهرا(علیها السلام) باقی نماند.

چنانچه اظهار شده:

رفتار علی(علیه السلام) و اولاد گرامی آنحضرت با خلفاء راشدین به نحوی بوده که بیعت و موافقت قرین شده است.^(۱)

بنابراین، شرط لازم برای استناد به نقل های «خشم و غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر» این است که:

در مرحله نخست، این نقل ها را تفکیک در حجیت نموده و فرازهای ساختگی عایشه را از آن حقایق تابناک، جدا نماییم.

ص: ۷۷

۱- مصطفی حسینی طباطبایی: راهی بسوی وحدت اسلامی، ص ۱۶۳.

با توجه به این که پیش از این، فصل اول از جلد چهارم مجموعه

«مظلومی گمشده در سقیفه» را به نقد و بررسی کامل «ماجرای ساختگی بیعت مختاران» اختصاص داده ایم، مطابق روشی که ترسیم کردید، تنها به ارائه یک سند نقض اکتفا می کنیم.

عمر بن خطاب در یک سند کوتاه و گویای تاریخی، خطاب به حضرت علی (علیه السلام) و عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به صراحت می گوید:

فَلَمَّا تُوِّفَى رَسُولُ اللَّهِ قَالَ أَبُو بَكْرٍ أَنَا وَلِي رَسُولِ اللَّهِ.

فَجِئْتُمَا تَطْلُبُ مِيرَاثَكَ مِنْ ابْنِ أَخِيكَ وَتَطْلُبُ هَذَا مِيرَاثَ امْرَأَتِهِ مِنْ أَبِيهَا.

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَا نُورَثُ، مَا تَرَكَنَا [ه] صَدَقَةٌ.

فَرَأَيْتُمَاهُ كَاذِبًا آثِمًا غَادِرًا خَائِنًا. (۱)

هنگامی که پیامبر از دنیا رفت، ابوبکر گفت:

من جانشین رسول خدا هستم.

شما دو نفر آمدید و میراث خود را طلب کردید.

تو [عباس] میراث را از پسر برادرت [یعنی رسول خدا] و این [علی] میراث همسرش از پدرش را طلب نمود.

پس ابوبکر گفت: پیامبر فرموده است: کسی از ما ارت نمی برد و اموالی که به جای می گذاریم، صدقه است.

ولی شما دو نفر، ابوبکر را دروغگو، گناهکار، خدعه گر و خیانت پیشه دانستید. (۲)

ص: ۷۸

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۲.

۲- در اینجا، خاطر نشان می گردد که هرچند هدف اصلی مسلم بن حجاج نیشابوری از ثبت این حقیقت، مذمت حضرت علی (علیه السلام) می باشد؛ امّا محتوای این نقل در تعارض شدید با نقل های بیعت مختاران امیرالمؤمنین (علیه السلام) با ابوبکر قرار دارد.

به راستی اگر چنان بیعتی رخ داده بود، آیا معنا داشت که (به تصریح عمر بن خطاب حضرت علی (علیه السّلام) ابوبکر را فردی دروغگو، گناهکار، حيله گر و خائن به شمار آورد؟

ص: ۷۹

اشاره

همان طور که گفته شد، هدف اصلی از نقل ماجرای «غضبِ حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر» و ثبت و درج آن حقیقت تابناک در منابع مکتب خلفا، مذمت حضرت فاطمه (علیها السلام) بود.

هواداران خلفا، جهت تثبیت و ترویج این مذمت و جلوگیری از ایجاد هرگونه تردیدی در این زمینه، به نقل داستان دروغین دیگری نیز دست یازیده اند که به طور گسترده ای در منابع مکتب خلفا به ثبت رسیده است.

از آن جایی که با قرار دادن «احادیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السلام)»

و «اسناد غضب» در کنار یکدیگر، به راحتی می توان ابوبکر را محکوم نمود، لازم بود تا قبل از ثبت و نگارش «اسناد غضب»، برای مقابله با دلالت «احادیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السلام)» نیز توطئه ای شوم طراحی شود.

بدین ترتیب، داستانی که از دیر باز (توسط دشمنانِ امیر المؤمنین و هواداران معاویه) (۱) جعل شده بود، (۲) انتخاب گردید و به ثبت و ضبط گسترده آن در منابع مکتب خلفا اقدام شد.

حدیث نگارانِ مکتب خلفا، در هر ورقی از کتاب های خود که می توانستند، این نقل دروغین را به ثبت رساندند و بدین وسیله، به ترویج دوباره آن در سطح جامعه پرداختند.

این داستان که از روز نخست با هدف نکوهش امیر المؤمنین

ص: ۸۲

۱- حزب آل زبیر و هواداران آن، یکی از برجسته ترین گروه هایی اند که با تبلیغات مسموم خود، شخصیت حضرت امیر (علیه السلام) را به شدت مورد هجوم فرهنگی قرار داده اند. جالب است که راوی اصلی این خواستگاری دروغین، یکی از صمیمی ترین یاران عبدالله ابن زبیر می باشد. او که «مسور بن مخرمه بن نوفل» (متوفی ۷۳ ق) نام دارد، از یک سو با خوارج مراوده داشته و از سوی دیگر، از هواداران متعصب معاویه به شمار می آید. همچنین مسور را از ملازمان عمر نیز دانسته اند. ر.ک: سیر اعلام النبلاء (تألیف: ذهبی)، ج ۳، ص ۳۹۱ - ۳۹۴؛ تهذیب التهذیب (تألیف: ابن حجر)، ج ۱۰، ص ۱۳۷؛ تاریخ مدینه دمشق (تألیف: ابن عساکر)، ج ۵۸، ص ۱۷۵. خاطرنشان می شود که در کتاب «صحیح بخاری» تعداد ۴۰ حدیث از او به ثبت رسیده است. (جهت آشنایی تفصیلی با او، به کتاب «الامام البخاری» (تألیف: استاد حسین غیب غلامی هرساوی)، ص ۲۸۰-۲۸۴ مراجعه فرمایید.) لذا می توان گفت: یکی از اهداف اصلی آغاز به جعل و ترویج این خواستگاری، همگامی مسور با جناح آل زبیر جهت منحرف ساختن افکار عمومی از دلالت واقعی احادیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السلام) « بوده است.

۲- ر.ک: الصحیح من سیره النبی الأعظم (تألیف: استاد سید جعفر مرتضی عاملی)، ج ۵، ص ۳۱۵-۳۲۷.

ساخته و پرداخته شده بود، به دلیل ضربات سهمگینی که بر احادیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السلام) وارد می ساخت، مورد استقبال شدید افرادی چون بخاری، مسلم و دیگر حدیث نگاران مکتب خلفا قرار گرفت و در طیف گسترده ای از منابع مکتوب اهل سنت نفوذ یافت. (۱)

بر طبق این داستان واهی:

حضرت علی (علیه السلام) از دختر ابوجهل خواستگاری می نمایند!

چون خبر این خواستگاری به حضرت فاطمه (علیها السلام) می رسد، موجبات ناراحتی شدید ایشان را فراهم می آورد؟

در نهایت، خبر اندوه حضرت فاطمه (علیها السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیده و ایشان نیز به حمایت از دختر خود برمی خیزد؟

در این فضا است که حدیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السلام) از سوی ایشان صادر می شود!!

لذا نخستین مصداق حدیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السلام) - که با رفتارش موجبات صدور این حدیث را فراهم ساخت - شوهر فاطمه، یعنی حضرت علی (علیه السلام) می باشد!!

آری! داستانی که از ابتدا با هدف مذمت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و توسیط دشمنان قسم خورده ایشان جعل شده بود، (۲) مورد پسند وسیع آن در آثار حدیثی اهل سنت، تثبیت و تأیید شد.

ص: ۸۳

۱- هدف از ثبت نقل های دروغینی که حاکی از اختلافات خانوادگی میان «امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام)» می باشند را باید در همین تحلیل جستجو نمود.

۲- ر.ک: مجله الهادی، شماره ۲۲، مقاله «اسطوره تزوج علی (علیه السلام) بنت ابی جهل» (تألیف: استاد ابراهیم انصاری زنجانی)، فاطمه الزهرا (علیها السلام)، در اسه فی محاضرات (تألیف: سید محمد شعاع فاخر)، خطبه ابنه ابی جهل: الافتراء و الرد، ص ۴۳۲-۴۵۳.

در شیوه ای که به تازگی از سوی اهل سنت پیگیری می شود، هواداران خلفا با وام گرفتن از داستان دروغین خواستگاری از دختر ابوجهل، تلاش تازه ای را برای رها سازی ابوبکر از رسوایی آغاز کرده اند.

این شیوه جدید که بر نفی عصمت حضرت زهرا (علیها السلام) استوار بوده و غضب آن حضرت (علیه السلام) را خشمی بشری و زنانه می انگارد، سعی در القای وجود صلح و صفایی ساختگی میان خاندان وحی (علیهم السّلام) و خلفا دارد! صلح و صفائی کاذب که لازمه پذیرش آن، انکار عصمت حضرت زهرا (علیها السلام) می باشد؟

این قبیل شبهات که با هدف «تبرئه ابوبکر و دفاع از او» طراحي گردیده، ابتدا با استناد به ماجرای خواستگاری از دختر ابوجهل، حضرت علی (علیه السلام) را مشمول خشم و غضب حضرت زهرا (علیها السلام) معرفی می کند!

سپس با ناممکن دانستن تحقق خشم الهی نسبت به اولیاء خدا، وقوع این گونه از غضب را نسبت به امیر المؤمنین (علیه السلام) نفی می نماید.

آنگاه به طرز زیرکانه ای، ابو بکر را هم در کنار حضرت علی (علیه السلام) نشانده و او را نیز از حصار خشم و غضب الهی خارج می سازد!!

چنانچه اظهار شده:

« البته نمی توان فقط ناخشنودی و رنجش ظاهری بزرگان و اولیاء الله را نسبت به یکدیگر سبب تنقید و یا خشم الهی نسبت به بعضی از آنها قرار داد.

زیرا گاهی بنابر سرشت و طبیعت بشری و بنابر اختلاف شیوه و سلیقه و برداشتهای متفاوت در میان دوستان صمیمی و عزیز هم سوء تفاهمهایی پیش می آید که سبب رنجش و ناراحتی می شود.

اما با رفع آن سوء تفاهم آثار کدورت و رنجش هم از بین می رود و در میان آنان همان صمیمیت و دوستی قبلی برقرار می شود. در کتابهای فریقین روایات متعددی نقل شده که در موارد مختلف در میان حضرت علی و حضرت فاطمه ناراحتی هایی بوجود آمد اما توسط رسول خدا آن رنجش و کدورت از بین رفت و همان صمیمیت قبلی بین آن بزرگان برقرار شده است!
[\(۱\)](#)

«خوانندگان محترم روایاتی را که بر ناخشنودی حضرت فاطمه از حضرت علی دلالت می کرد ملاحظه نمودند.

اما این ناخشنودی و رنجش هرگز موجب انتقاد از حضرت علی نشده و نخواهد شد زیرا طبیعی است که گاهی در میان بزرگان بر اثر سوء تفاهم چنین مواردی پیش می آید![\(۲\)](#)

ص: ۸۵

۱- مقاله مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۱۱، ۱۳۸۱، ص ۲۶، تیراژ ۹۰۰۰ نسخه.

۲- مقاله مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۱۱، ۱۳۸۱، ص ۲۶، تیراژ ۹۰۰۰ نسخه.

نقد و بررسی یکم: نحوه خنثی سازی شبهه خواستگاری از دختر ابوجهل

از آن جایی که برای رسوا سازی ابوبکر، در کنار استناد به ماجرای غضب حضرت زهرا(علیها السّلام)، به «احادیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السّلام)» نیز نیازمند هستیم؛ لازم است تا ابتدا، نقل هایی که حاوی احادیث حرمت ایدای فاطمه(علیها السّلام) می باشند را تفکیک در حجّیت نموده و آن ها را از ماجرای دروغین خواستگاری از دختر ابوجهل جدا سازیم.

این پاکسازی، در مسیر استناد به ماجرای خشم و غضب حضرت زهرا(علیها السّلام) بر ابوبکر، از اهمّیت زیادی برخوردار است.

چرا که احادیث حرمت ایدای فاطمه(علیها السّلام) ضمن تأیید عصمت مطلقه حضرت زهرا(علیها السّلام)، به غضب ایشان بر ابوبکر رنگ الهی زده و آن را از «جنبه بشری» خارج می سازند.

با استناد به احادیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السّلام) است که می توان ثابت نمود: ابوبکر مورد خشم و غضب الهی واقع شده است.

بنابراین، لازم است تا در این مرحله از تبلیغ و احیاگری، گوینده با ماجرای این خواستگاری ساختگی (۱) آشنایی مختصری داشته و روش نقضی نقد این دروغ را به خوبی بشناسد.

هرچند که نقل این ماجرا توسط «مِسُور بن مَخْرَمَه» جای هیچ تردیدی را در ساختگی بودن این ماجرا باقی نمی گذارد؛ اما جهت پرهیز از ورود به بحث های راوی شناسی، می توان با عرضه نقل های مربوط به این خواستگاری بر آیه تطهیر (۲) و حدیث ثَقَلین (۳)

که به اتفاق شیعه و سنی شامل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و صدیقه زهرا (علیها السلام) می شوند، ادعای وقوع هرگونه اختلافی میان معصومین (علیهم السلام) را از اساس، مردود شمرد.

لذا، قبل از شروع به گفتگو درباره احادیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السلام)، توجه به آیه تطهیر یا حدیث ثَقَلین ضروری می باشد.

عرضه نقل های خواستگاری حضرت علی (علیه السلام) از دختر ابوجهل به قرآن کریم (آیه تطهیر) و سنت قطعی، معتبر و متواتر نبوی (حدیث ثَقَلین) سریع ترین راه برای تفکیک در حجیت و پاکسازی نقل های مربوط به «احادیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السلام)» از فرازهای دروغین قبل و بعد از آن می باشد.

ص: ۸۷

۱- ر.ک: الرسائل العشر فی الأحادیث الموضوعه فی کتب السنه (تألیف: استاد سید علی حسینی میلانی)، رساله فی حدیث خطبه علی بنت ابی جهل.

۲- ر.ک: محاضرات فی الاعتقادات (تألیف: استاد سید علی حسینی میلانی)، ج ۱، ص ۷۱.۵۱؛ امامت و عصمت امامان در قرآن (تألیف: استاد رضا کاردان)، ج ۲ (آیه تطهیر).

۳- ر.ک: اشکال ابن تیمیه علی حدیث الثقلین و الجواب عنه (تألیف: استاد سید محمد حسینی قزوینی).

اشاره

پاکسازی ماجرای غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر و جداسازی احادیث حرمت ایدای فاطمه (علیها السلام) از نقل های دروغینی که اطراف این اسناد معتبر تاریخی را احاطه کرده اند، توانمندی علمی خاصی را به شیعیان می بخشد.

این منطقی برتر، شیعیان را قادر می سازد تا در یک بحث استدلالی، برای آیه ۵۷ از سوره احزاب و نیز آیه ۲۳ از سوره مجادله، مصداق عینی و خارجی تعیین نمایند.

جمع بندی میان اسناد غضب حضرت زهرا(علیها السلام) بر ابوبکر و احادیث حرمت ایدای فاطمه(علیها السلام) و نتیجه گیری منطقی و دقیق شیعیان از آن، سرانجام به رسوایی تردیدناپذیر ابوبکر می انجامد.

جالب آن که دامنه این رسوایی، تا آن جا گسترش یافته که جامعه اهل سنت را به اعترافی صریح درباره وجود این مشکل پیچیده واداشته است.

چنانچه اظهار شده:

«عده ای اعتراض دارند که در کتابهای اهل سنت روایت شده که وقتی فاطمه نزد ابوبکر صدیق آمد و میراث پدرش - فدک و خمس خیبر - را مطالبه کرد. فاطمه خشمگین شد و ابوبکر را ترک کرد و تا آخر عمر با او سخن نگفت.»^(۱)

بدیهی است که هواداران خلفا در مقابل جمع بندی دقیق و نتیجه گیری علمی شیعیان، ساکت ننشسته و تمهیدات دیگری را جهت هدم غضب الهی حضرت زهرا (علیه السلام) بر ابوبکر اندیشیده اند.

ابداع این تمهیدات، خود نشانگر آن است که توطئه های قبلی

این گروه، دیگر از استواری برخوردار نمی باشند.

در عین حال، طراحان چنین توطئه هایی حاکی از آن است که طرفداران مکتب خلفا از انجام هیچ تلاشی نیز برای در هم کوبیدن غضب حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر کوتاهی نخواهند کرد و این غضب، همواره و از هر راهی مورد حمله آنان قرار خواهد گرفت.

در چنین فضایی است که برخی هواداران ابوبکر، خبرهایی دروغین را با مضمون حلالیت طلبیدن ابوبکر از حضرت زهرا (علیها السلام) جعل نموده اند.

آنان در ضمن این نقل ها، جسورانه مدعی شده اند که در نهایت، حضرت فاطمه (علیها السلام) از ابوبکر راضی شده اند!!

سپس بدین بهانه، خواسته اند تا حقیقت جاودانه «خشم و غضب حضرت زهرا (علیها السلام) بر ابوبکر» را از کار افتاده و غیر قابل استناد جلوه دهند؟

ص: ۸۹

۱- مقاله مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۱۱، ۱۳۸۱، ص ۲۰، تیراژ ۹۰۰۰ نسخه.

چنانچه اظهار شده:

«اگر بالفرض و بنابر طبیعت بشری در دل حضرت فاطمه نسبت به حضرت ابوبکر صدیق رنجش و کدورتی بوجود آمده باشد همانطور که از حضرت علی رنجیدند، در نهایت آن رنجش و کدورت رفع شده است و حضرت فاطمه در حالی از این دنیا رحلت نموده است که کاملاً از حضرت صدیق خشنود و راضی بوده است.»^(۱)

ص: ۹۰

۱- مقاله مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۱۱، ۱۳۸۱، ص ۲۷، تیراژ ۹۰۰۰ نسخه.

از آنجایی که ادّعی دروغین راضی شدن حضرت زهرا(علیها السلام) از ابوبکر، با استناد به برخی نقل های ساختگی مطرح می گردد؛ مطابق با روشی که در این کتاب پی گرفته ایم، به ارائه یک سند نقض بسیار مهم اکتفا می کنیم.

این سند افشاگر که در کتاب «الامامه و السیاسه» (تألیف: ابن قتیبه) مندرج می باشد، در تعارض شدید و آشکاری با نقل های مربوط به راضی شدن حضرت زهرا علیها السلام از ابوبکر قرار دارد.

به این ترتیب، با ایجاد تعارض میان دو دسته از اسناد مندرج در منابع اهل سنت، صحت ادّعی شبهه افکنان در هاله ای از ابهام و تردید قرار می گیرد. با ارائه این سند نقض، شبهه افکنان مجبور خواهند شد که قبل از هرگونه پافشاری بر صحت ادّعی خویش، ابتدا این تعارض آشکار میان اسناد مندرج در منابع و مآخذ مورد قبول خودشان را حلّ و فصل نمایند.

با توجه به این که نقل ابن قتیبه، از جایگاه ویژه ای در ایجاد این تعارض برخوردار بوده و نقش مؤثری در خنثی سازی تمهید دوم هواداران خلفا ایفا می نماید؛ لازم است تا مبلغ، درباره ابن قتیبه و اعتبار کتاب او در میان اهل سنت، اطلاعاتی در اختیار داشته باشد.

چرا که یکی از شگردهای نوین شبهه افکنان، انکار اعتبار برخی از منابع مکتوب مکتب خلفا، جهت رهایی از مطالب مندرج در آنها می باشد.

چنانچه اظهار شده:

«کتاب الامامه و السياسه تألیف ابن قتیبه دینوری نمی باشد و علما در انتساب آن به ابن قتیبه تردید دارند!» [\(۱\)](#)

ص: ۹۲

۱- مقاله مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۳، ۱۳۷۹، ص ۷۰، تیراژ ۵۰۰۰ نسخه.

آشنایی با «ابن قُتیبه» و کتاب او (۱)

یکی از شبهات مطرح شده، تشکیک در صحت انتساب کتاب «الامامه و السیاسه» به «ابن قُتیبه دینوری» است.

البته این روش برخورد با منابع و مدارک تاریخی و روایی، مسبوق به سابقه است و از روش های معمول حق گریزان در طول تاریخ می باشد.

آن ها برای انکار و کتمان وقایع، آن جا که به سلیقه و مذاقشان خوشایند نیست، ابتدا در وثاقت و شخصیت نویسنده و راوی، شک و تردید می کنند.

اما، این جا که نویسنده کتاب یعنی «ابن قُتیبه» بسیار قابل اعتماد و خدشه ناپذیر است، به جای تمکین و تسلیم در برابر حقیقت، مبادرت به انکار اصل کتاب «الامامه و السیاسه» نموده اند.

ص: ۹۳

۱- این توضیحات را از کتاب «در پاسخ افسانه شهادت» (تألیف: فاضل ارجمند سید جواد حسینی طباطبایی) برگرفته ایم.

ما برای رفع این شبهه، ابتدا به صورت اختصار، به معرفی جایگاه و شخصیت «ابن قتیبه دینوری» در میان علما و اندیشمندان اهل سنت می پردازیم.

سپس، شواهد و دلایلی مسلم و تردیدناپذیر در مورد صحت انتساب کتاب «الامامه و السیاسه» به «ابن قتیبه» ارائه خواهیم کرد.

عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (متوفی ۲۷۶ ق) دانشمند و نویسنده بزرگ اسلامی در قرن سوم هجری است.

وی در ادبیات، تاریخ، فقه، حدیث و علوم قرآنی متبحر بوده و دارای تألیفات مهم و معتبر است.

«ابن خلدون» کتاب «ادب الکاتب» تألیف «ابن قتیبه» را از جمله اصول و ارکان علم ادب دانسته است. (۱)

پژوهشگران غربی، کتاب های شعر و ادب او را مورد توجه و بررسی گسترده قرار داده اند. (۲)

کتاب های تاریخ اسلام و علوم قرآنی وی نظیر «الإمامه و السیاسه»، «المعارف»، «تأویل مشکل القرآن» و ... بارها در کشورهای عربی از جمله مصر، سوریه و لبنان به چاپ رسیده است.

«ابن ندیم» در کتاب «الفهرست» در مورد او می نویسد:

«کان صادقاً فیما یرویه، عالماً باللغه والنحو و غریب القرآن ومعانیه و الشعر و الفقه». (۳)

ص: ۹۴

۱- مقدمه ابن خلدون، ص ۵۵۳.

۲- افرادی چون: «فلو گل»، «برو کلمان»، «لو کنت» و «گودفروا» از محققان معاصر غرب، به معرفی شخصیت و شرح و ترجمه آثار «ابن قتیبه» مبادرت کرده اند.

۳- الفهرست (تألیف: ابن ندیم)، ص ۱۲۳.

«خطیب بغدادی» دربارهٔ او نوشته است:

«و كان ثقة ديناً و فاضلاً»^(۱)

«ابن حجر عسقلانی» نوشته است:

«عبدالله بن مسلمبن قُتیبه، ابومحمد، صاحبُ التصانيف، صدوقُ»

و به نقل از «ابن حزم» می افزاید:

«كان ثقةً في دينه»^(۲)

«شمس الدین ذهبی» از او به عنوان «العلامة الكبير»^(۳) و «الامام الورع»^(۴) یاد نموده است.

اندکی دربارهٔ کتاب «الامامه و السیاسه»

این کتاب، بارها با نام مؤلف آن یعنی «ابن قُتیبه دینوری» در مصر و سایر کشورها چاپ شده است.

چندین نسخهٔ خطی از این کتاب در سراسر دنیا از جمله در کتابخانه های مصر، پاریس، لندن، ترکیه و هند موجود است.

علاوه بر این، بسیاری از علمای اهل سنت به تألیف این کتاب و صحت انتساب آن به «ابن قُتیبه» تصریح داشته و در نقل روایات تاریخی به آن استناد کرده اند.

این کتاب که دربارهٔ تاریخ خلافت اسلام و شرایط و حوادث آن نگاشته شده از معروف ترین کتاب ها در موضوع تاریخ اسلام است.

ص: ۹۵

۱- تاریخ بغداد (تألیف: خطیب بغدادی)، ج ۱۰، ص ۱۶۸.

۲- لسان المیزان (تألیف: ابن حجر عسقلانی)، ج ۳، ص ۳۵۸.

۳- سیر اعلام النبلاء (تألیف: ذهبی)، ج ۱۰، ص ۶۲۵.

۴- العبر (تألیف: ذهبی)، ج ۱، ص ۲۴۸.

- «ابن عربی» (متوفی ۵۴۳ ق) در کتاب «العواصم من القواصم» ضمن نقل مطالبی از این کتاب، به صحت انتساب آن به «ابن قتیبه» تصریح دارد. (۱)

- «نجم الدین عمر بن محمد مکی» مشهور به «ابن فهد» در کتاب «اتحاف الوری باخبار امّ القری» در ذکر حوادث سال ۹۳ ق می نویسد:

«و قال ابو محمّد عبدالله بن مسلم بن قتیبه فی کتاب الامامه و السیاسه..» (۲) و سپس حکایت دستگیری «سعید بن جبیر» را به نقل از آن کتاب، ذکر می کند.

- «قاضی ابو عبدالله تنوزی» معروف به «ابن شباط» در کتاب «الصله السمطیه». (۳)

- «ابن حجر هیثمی» در کتاب «تطهیر الجنان و اللسان». (۴)

- «ابن خلدون» در کتاب «العبر و دیوان المبتدأ و الخبر» معروف به «تاریخ ابن خلدون». (۵)

- تقی الدین فاسی مکی» در کتاب «العقد الثمین». (۶)

- «شاه سلامه الله» در کتاب «معرکه الآراء». (۷)

ص: ۹۶

-
- ۱- العواصم من القواصم (تألیف: ابن عربی)، ص ۲۴۸.
 - ۲- اتحاف الوری باخبار امّ القری (تألیف: ابن فهد)، حوادث سال ۹۳ ق.
 - ۳- الصله السمطیه (تألیف: ابن شباط)، فصل دوم، باب ۳۴.
 - ۴- تطهیر الجنان و اللسان (تألیف: ابن حجر هیثمی)، ص ۷۲.
 - ۵- تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۶۶.
 - ۶- العقد الثمین (تألیف: تقی الدین فاسی مکی)، ج ۶، ص ۷۲.
 - ۷- معرکه الآراء (تألیف: شاه سلامه الله)، ص ۱۲۶.

اظهارات شخصیت های فوق الذکر، مؤید صحت انتساب کتاب «الامامه و السياسه» به «ابن قتیبه» است.

بسیاری از اندیشمندان و محققان معاصر عرب نیز به تعلق این کتاب به «ابن قتیبه» تصریح دارند؛ از جمله:

- «فرید وجدی» در کتاب «دائرة المعارف القرن العشرين» می نویسد:

«اورد العلامة الدینوری فی کتابه الامامه و السياسه» (۱)

و باز در جایی دیگر می نویسد:

... کتاب الامامه و السياسه لابی محمد عبدالله بن مسلم الدینوری المتوفی سنه ۲۷۰ هـ» (۲)

- «عمر رضا کحاله» در کتاب «معجم المؤلفین» ضمن معرفی ابن قتیبه، این کتاب را در فهرست تألیفات او ذکر کرده است. (۳)

- «یوسف إلیان سرکیس» در کتاب «معجم المطبوعات العربیه»

ضمن ارائه شرح زندگی «ابن قتیبه» از این کتاب او نام برده است. (۴)

ص: ۹۷

۱- دائرة المعارف القرن العشرين (تألیف: فرید وجدی)، ج ۲، ص ۷۵۴.

۲- همان منبع، ص ۷۴۹.

۳- معجم المؤلفین (تألیف: عمر رضا کحاله)، ج ۲، ص ۲۹۷.

۴- عبدالله بن سبا و اساطیر اخری (تألیف: علامه عسکری)، ج ۱، ص ۳۳۷؛ به نقل از: معجم المطبوعات العربیه (تألیف: یوسف إلیان سرکیس).

فَقَالَ عُمَرُ لِأَبِي بَكْرٍ: انْطَلِقْ بِنَا إِلَى فَاطِمَةَ فَإِنَّا قَدْ اغْضَبْنَا... فَاسْتَأْذَنَّا عَلَى فَاطِمَةَ، فَلَمْ تَأْذُنْ لِهَمَّا، فَاتِيَا عَلِيًّا فَكَلَّمَاهُ، فَادْخَلَهُمَا عَلِيًّا.

فَلَمَّا قَعَدَا عِنْدَهَا، حَوَلَتْ وَجْهَهَا إِلَى الْحَائِطِ.

فَسَلَّمَ عَلِيًّا، فَلَمْ تَزِدْ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ.

... قَالَتْ: فَإِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنَّكُمْ أَسَخَطْتُمَانِي وَ مَا أَرْضَيْتُمَانِي وَ لَئِن لَّقِيتُ النَّبِيَّ لَأَشْكُوَنَّكُمْ إِلَيْهِ.

... وَ هِيَ تَقُولُ: وَاللَّهِ! لَأَدْعُونَ اللَّهَ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ أُصَلِّيُهَا. (۱)

عمر به ابوبکر گفت: بیا نزد فاطمه برویم زیرا که وی را به خشم آورده ایم.

ص: ۹۸

از فاطمه اجازه ورود خواستند، ولی وی به آن دو اجازه ورود نداد. آن گاه نزد علی رفته و با او سخن گفتند.

وی ایشان را نزد فاطمه برد.

چون نزد فاطمه نشستند، فاطمه رویش را به سوی دیوار برگرداند.

بر وی سلام کردند، ولی فاطمه جواب سلام آن دو را نداد.

فاطمه گفت: خدا و ملائکه را شاهد می گیرم که شما دو نفر، مرا به غضب آوردید و مرا راضی نکردید. ...

فاطمه خطاب به ابوبکر گفت: به خدا سوگند. درهر نمازی که بخوانم تو را نفرین خواهم کرد. (۱)

ص: ۹۹

۱- در این جا نیز خاطر نشان می گردد که هدف اصلی ابن قتیبه از ثبت این حقیقت، مذمت حضرت زهرا (علیها السلام)، دفاع از ابوبکر و نمایش مظلومیت او می باشد؛ به ویژه که او در همین کتاب و صفحاتی پس از نقل ماجرای عیادت، به تفصیل درباره بیعت مختارانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) با ابوبکر، قلم فرسایی کرده است (ر.ک: الامامه و السیاسه (تألیف: ابن قتیبه، ج ۱، ص ۳۳) اما به هر روی، محتوای این نقل در تعارض شدید با نقل های رضایت حضرت زهرا (علیها السلام) از ابوبکر قرار دارد و در مقام ایجاد تناقض، از کاربرد ویژه ای برخوردار می باشد.

اشاره

هواداران ابوبکر، برای آزاد ساختن او از خشم و غضب الهی حضرت زهرا (علیها السلام) و مقاومت در مقابل فروپاشی تمهیدات پیشین، توطئه جدیدی را تدارک دیده اند. این تمهید که در امتداد ادعای واهی راضی شدن حضرت زهرا (علیها السلام) از ابوبکر قرار دارد؛ در نهایت، اسناد غضب را غیر قابل استناد کرده و آن حقایق را از کارافتاده جلوه می دهد.

این ادعای واهی با استناد به تعدادی نقل های جعلی (۱) مطرح می گردد که حاکی از نماز گزاردن ابوبکر بر جنازه حضرت زهرا (علیها السلام) می باشد؛ چنانچه اظهار شده:

«در این باره که چه کسی بر حضرت فاطمه نماز جنازه خواند، اختلاف روایت وجود دارد برخی گفته اند حضرت علی و برخی دیگر گفته اند: حضرت ابوبکر! (۲)»

ص: ۱۰۰

۱- ابن حجر عسقلانی در کتاب «لسان المیزان»، ج ۳، ص ۳۳۴، به دروغ بودن این نقل ها تصریح دارد.

۲- مقاله مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۳، ۱۳۷۹، ص ۶۸، تیراژ ۵۰۰۰ نسخه.

نقد و بررسی سوم نحوه خنثی سازی شبهه حضور ابوبکر در تدفین حضرت زهرا(علیها السلام)

جهت نقد و بررسی این شبهه، تنها به ارائه چند سند نقض اکتفا می کنیم.

این اسناد افشاگر که در منابع معتبر مکتب خلفا به ثبت رسیده اند، در تعارض مسلم و غیر قابل انکاری با نقل های مربوط به نماز گزاردن ابوبکر بر جنازه حضرت زهرا(علیها السلام) قرار دارند.

به این ترتیب، با ایجاد یک تعارض آشکار میان اسناد و مدارک مندرج در کتب عامه، صحت ادعای شبهه افکنان نیز در هاله ای از ابهام و تردید فرو می رود.

با ارائه این اسناد نقض، شبهه افکنان وادار خواهند شد که قبل از هر نوع پافشاری بر صحت ادعای خویش، ابتدا این تعارض آشکار میان دو دسته از نقل های مندرج در منابع خودشان را حلّ و فصل نمایند.

ص: ۱۰۱

فَلَمَّا تُوِّفِيَتْ دَفَنَهَا زَوْجَهَا عَلِيٌّ بِنُ أَبِيطَالِبٍ لَيْلًا وَلَمْ يُؤَذَّنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَ صَلَّى عَلَيْهَا عَلِيٌّ. (۱)

چون فاطمه از دنیا رفت، شوهرش علی بن ابی طالب، وی را شبانه دفن کرد و ابوبکر را برای مراسم باخبر نمود و خودش بر وی نماز خواند. (۲)

ص: ۱۰۲

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴.

۲- در این جا نیز خاطر نشان می گردد که هر چند در اغلب موارد، هدف اصلی ثبت کنندگان چنین حقایقی، مذمت حضرت زهرا (علیها السلام) می باشد و حدیث نگاران مکتب خلفا، خواسته اند تا عدم حضور ابوبکر - به عنوان خلیفه رسول خدا (!؟) - در مراسم تدفین ایشان را، قدحی بر شخصیت باشکوه حضرت فاطمه (علیها السلام) محسوب نمایند؛ اما محتوای این نقل ها در تعارض شدید با نقل های «رضایت حضرت زهرا (علیها السلام) از ابوبکر» و نیز «نماز گزاردن ابوبکر بر جنازه وی» قرار دارند.

سند شماره ۲)

فَلَمَّا تُوِّفِيَتْ دَفَنَهَا زَوْجَهَا عَلِيَّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤَذَّنْ بِهَا أَبُو بَكْرٍ. (۱)

چون (فاطمه) از دنیا رفت، شوهرش علی، وی را شبانه دفن نمود و ابوبکر را آگاه نساخت.

سند شماره ۳)

فَدَفَنَهَا عَلِيٌّ لَيْلًا، وَلَمْ يُؤَذَّنْ بِهَا أَبُو بَكْرٍ. (۲)

علی وی را شبانه به خاک سپرد و ابوبکر را مطلع ننمود.

سند شماره ۴)

أَنَّ فَاطِمَةَ دَفِنَتْ لَيْلًا ... وَ أَنَّ عَلِيًّا دَفَنَ فَاطِمَةَ لَيْلًا ... وَ لَمْ يَعْلَمْ أَبُو بَكْرٍ وَ عَمْرٌ بِمَوْتِهَا. (۳)

فاطمه شبانه دفن شد... علی، فاطمه را شبانه دفن نمود

و ابوبکر و عمر از مرگ وی باخبر نشدند.

سند شماره ۵)

دَفَنَهَا زَوْجَهَا عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ لَيْلًا وَ لَمْ يُؤَذَّنْ بِهَا أَبُو بَكْرٍ وَ صَلَّى عَلَيْهَا عَلِيٌّ. (۴)

شوهرش علی بن ابی طالب، وی را شبانه دفن کرد و ابوبکر را آگاه ننمود و خودش بر وی نماز خواند.

ص: ۱۰۳

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳.

۲- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۸.

۳- انساب الاشراف (تألیف: بلاذری)، ج ۱، ص ۴۰۵.

۴- مشکل الآثار (تألیف: طحاوی)، ج ۱، ص ۴۷-۴۸.

سند شماره ۶

دَفَنَتْ فَاطِمَةَ لَيْلًا، دَفَنَهَا عَلِيٌّ وَ لَمْ يَشْعُرْ بِهَا أَبُو بَكْرٍ حَتَّى دَفَنَتْ. (۱)

فاطمه شبانه دفن شد؛ علی وی را به خاک سپرد و ابوبکر، تا هنگام دفن ایشان، در جریان امور قرار نگرفت.

سند شماره ۷ و ۸

فَدَفَنَهَا عَلِيٌّ لَيْلًا وَ لَمْ يُوذَّنْ بِهَا أَبُو بَكْرٍ. (۲)

علی وی را شبانه دفن کرد و ابوبکر را آگاه ننمود.

سند شماره ۹

أَنَّ عَلِيًّا دَفَنَ فَاطِمَةَ لَيْلًا وَ لَمْ يُوذَّنْ بِهَا أَبُو بَكْرٍ. (۳)

علی، فاطمه را شبانه دفن نمود و ابوبکر را باخبر نساخت.

سند شماره ۱۰

وَ غَسَلَهَا زَوْجُهَا عَلِيٌّ وَ صَلَّى عَلَيْهَا وَ دَفَنَهَا لَيْلًا. (۴)

شوهرش علی، وی را غسل داد، بر او نماز خواند و شبانه به خاکش سپرد.

ص: ۱۰۴

۱- التلخیص (تألیف: ذهبی)، چاپ در حاشیه کتاب «المستدرک علی الصحیحین»، ج ۳، ص ۱۵۴.

۲- سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰؛ [نقل مشابه:] جامع الأصول (تألیف: ابن اثیر)، ج ۴، ص ۴۸۲.

۳- المصنّف (تألیف: ابن ابی شیبه)، ج ۳، ص ۵۲۱.

۴- الثغور الباسمه (تألیف: سیوطی)، ص ۱۵.

اشاره

ابن ابی الحدید معتزلی (متوفی ۶۵۶ ق) در ارزیابی نقل های وصیت حضرت زهرا (علیها السلام) به دفن شبانه می نویسد:

سند شماره (۱)

وَ الصَّحِيحُ عِنْدِي أَنَّهَا مَاتَتْ وَ هِيَ وَاجِدَةٌ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَ عَمْرٍ وَ أَنَّهَا أَوْصَتْ أَلَّا يَصَلِّيَا عَلَيْهَا (۱)

آنچه از نظر من صحیح می باشد این است که: فاطمه از دنیا رفت در حالی که بر ابوبکر و عمر غضبناک بود و وصیت نمود که آن دو بر جنازه وی نماز نخوانند...

سند شماره (۲)

بَلْ يَقَعُ الْأَحْتِجَاجُ بِذَلِكَ عَلَى مَا وَرَدَتْ بِهِ الرُّوَايَاتُ الْمُسْتَفِيضَةُ الظَّاهِرَةُ الَّتِي هِيَ كَالْتَّوَاتُرِ، أَنَّهَا أَوْصَتْ بِأَنْ تُدْفَنَ لَيْلًا حَتَّى لَا يَصَلِّيَ الرَّجُلَانِ عَلَيْهَا وَ صَرَّحَتْ بِذَلِكَ وَ عَهَدَتْ فِيهِ ... (۲)

ص: ۱۰۵

۱- شرح حدیدی، ج ۶، ص ۵۰.

۲- شرح حدیدی، ج ۱۶، ص ۲۸۱.

... روایات مستفیضه که در حدّ تواتر است، دلالت می کند که ایشان وصیت نمود که وی را شبانه دفن کنند، برای آن که آن دو مرد [ابوبکر و عمر] بر او نماز نخوانند. و به این خواسته اش تصریح و تأکید فرمود و بر انجام آن، پیمان گرفت..

سند شماره ۳

فَلَمَّا حَضَرَتْهَا الْوَفَاءُ أَوْصَتْ أَلَّا يَصَلِّيَ عَلَيْهَا، فَدَفَنْتَ لَيْلًا. (۱).

چون لحظات احتضار فاطمه فرا رسید، وصیت کرد که [عموم مردمان] بر وی نماز نخوانند و [بدین جهت] شبانه دفن شد. برخی دیگر از اسناد «وصیت به دفن شبانه» را می توان در منابع ذیل بافت:

سند شماره ۴

تأویل مختلف الحدیث (تألیف: ابن قتیبه)، ص ۳۰۰.

سند شماره ۵

الاستیعاب (تألیف: ابن عبدالبر)، ج ۴، ص ۱۸۹۸.

سند شماره ۶

المصنّف (تألیف: صنعانی)، ج ۳، ص ۵۲۱.

سند شماره ۷

انساب الاشراف (تألیف: بلاذری)، ج ۲، ص ۳۴.

ص: ۱۰۶

۱- شرح حدیدی، ج ۱۶، ص ۲۱۴؛ به نقل از: السقیفه وفدک (تألیف: ابوبکر جوهری)، ص ۱۰۲.

جمع بندی شیعیان میان اسناد غضب حضرت زهرا(علیها السّلام) بر ابوبکر با احادیث حرمت ایذای فاطمه(علیها السّلام) و خنثی سازی تمهیدات هواداران خلفا برای هدم این غضب، آنان را واداشته است تا در شگریدی جدید، به طرح ادّعی «عدم تحقّق خشم و غضب حضرت زهرا(علیها السّلام) بر ابوبکر» پردازند.

این ادّعی واهی که تحت عنوان فریبنده «سکوت» مطرح گردیده، سعی دارد تا در توطئه ای نوین، نقل های خشم و غضب حضرت زهرا(علیها السّلام) بر ابوبکر را از اعتبار ساقط کرده و نقل های حاکی از این «حقیقت همیشه جاوید» را نامعتبر و باطل اعلام کند!^(۱)

آنان در این توطئه جدید، همه تلاش خود را به کار بسته اند تا

فهم مخاطبین این ماجرا را به انحراف کشانده و فرازهای کلیدی آن را از اعتبار ساقط نمایند.

ص: ۱۰۷

۱- البّته، ردّ پای این نوع تلاش در منابع قدیمی اهل سنّت نیز قابل مشاهده است. (ر.ک: سنن ترمذی، حدیث شماره ۱۵۳۴؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۸)

چنانچه اظهار شده:

«وقتی حضرت ابوبکر صدیق اولین خلیفه و جانشین بر حق رسول خدا در جواب خواسته فاطمه قول پدرش نبی اکرم را بیان نمود، حضرت فاطمه پس از مطلع شدن از حکم درست و صحیح مسئله، سکوت کرد و هیچگونه اعتراض و اظهار ناخشنودی از صدیق ننمود.»^(۱)

«واقعیت چنین است که وقتی حضرت فاطمه زهرا در مقابل خواسته خود از جانب حضرت ابوبکر صدیق پاسخ قانع کننده ای شنید، سکوت اختیار کرده و اعتراض نکرد.»^(۲)

ص: ۱۰۸

۱- مقاله مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۱۱، ۱۳۸۱، ص ۲۱، تیراژ ۹۰۰۰ نسخه.

۲- مقاله مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۱۱، ۱۳۸۱، ص ۲۱، تیراژ ۹۰۰۰ نسخه

تکرار ادعای فوق، آن هم در یک مقاله چند صفحه ای، نشانگرِ اهتمامِ هواداران خلفا به ترویج این شبهه در اذهان عمومی می باشد.

زیرا، جای گیری این شبهه در ذهن مخاطب، محکم ترین ضربه را بر پیکره «ماجرای غضب» وارد ساخته و وقوع هرگونه خشم و غضب را از اساس، منکر می گردد.

شکست تمهیدات قبلی و ندامت پیروان مکتب خلفا از به ثبت رسیدن چنین حقیقتی در آثار مکتوبشان، این طیف را بر آن داشته است تا در توطئه ای جدید، تحقق هرگونه غضب را از صفحه تاریخ محو کنند!

به نظر می رسد که ذوق زدگی هواداران خلفا پس از طراحی این تمهید جدید، آنان را واداشته است تا بدون هرگونه دقت علمی در دلالت اسناد غضب و عبارت های مندرج در این نقل ها، به ترویج گسترده ادعای خود پردازند.

بنابراین، نقد و بررسی این تمهید را از بازنگری و تعمق دوباره در دلالت اسناد غضب و عبارات مندرج در آنها آغاز می نمایم.

سند شماره ۱)

اشاره

ایجاد تفکیک و ترتیب بندی در نقل صحیح بخاری (حدیث شماره ۶۲۳۰)

مرحله اول:

فَهَجَرْتَهُ فَاطِمَةُ.

فاطمه با ابوبکر قطع رابطه کرد.

مرحله دوم:

فَلَمْ تُكَلِّمَهُ.

لذا با او سخن نگفت.

مرحله سوم:

اشاره

حَتَّى تُؤْفِقَتْ.

تا زنده بود، این سخن نگفتن ادامه داشت.

ص: ۱۱۰

در این نقل، عبارت فَلَمْ تُكَلِّمَهُ پس از عبارت فَهَجَرْتَهُ آمده است.

به سخن دیگر، فَلَمْ تُكَلِّمَهُ نتیجه و محصول فَهَجَرْتَهُ می باشد (۱) و به همین دلیل نمی توان عبارت فَلَمْ تُكَلِّمَهُ را به معنای «سکوت ناشی از قانع شدن» دانست. (۲)

سند شماره ۲ و ۳

اشاره

ایجاد تفکیک و ترتیب بندی در نقل صحیح بخاری حدیث شماره ۲۹۱۳ و نقل صحیح مسلم (حدیث شماره ۳۳۰۴)

مرحله اول:

فَوَجَدتْ فَاطِمَةُ عَلیَّ ابی بکرٍ.

فاطمه بر ابوبکر غضبناک شد.

مرحله دوم:

فَهَجَرْتَهُ.

لذا با او قطع رابطه کرد.

مرحله سوم:

فَلَمْ تُكَلِّمَهُ.

لذا با او سخن نگفت.

ص: ۱۱۱

۱- به معنای «فاء تفریع» در ادبیات عرب توجه فرمایید.

۲- ابن حجر عسقلانی در کتاب «فتح الباری»، ج ۶، ص ۱۳۹ بر همین نکته تصریح دارد.

اشاره

حَتَّى تُوفِّيَتْ.

این سخن نگفتن استمرار داشت، تا از دنیا رفت.

توجه

در این نقل، عبارت فَهَجَرْتَهُ پس از عبارت فَوَجَدت علی ابی بکر قرار دارد. به عبارت دیگر، فَهَجَرْتَهُ نتیجه و محصول فَوَجَدت علی ابی بکر و فعل فَلَمْ تُكَلِّمهُ نتیجه و محصول دو فعل «غضب» و «قطع رابطه» می باشد و به همین دلایل نمی توان آن را به «سکوت ناشی از قانع شدن» تفسیر کرد.

جالب تر آن که دو فعل فوق، یعنی: «خشم و غضب بر ابوبکر» و «قطع رابطه با ابوبکر» که فعل فَلَمْ تُكَلِّمهُ محصول و نتیجه این دو فعل می باشد در نصوص متعددی قابل مشاهده است.

سند شماره ۴

فَغَضِبْتُ فَاطِمَةَ فَهَجَرْتَهُ فَلَمْ تَزَلْ بِذَلِكَ حَتَّى تُوفِّيَتْ. (۱)

فاطمه بر ابوبکر غضب نمود و با او قطع رابطه کرد و تا زنده بود این حالت استمرار داشت. (۲)

ص: ۱۱۲

۱- جامع الأصول (تألیف: ابن اثیر)، ج ۱۰، ص ۳۸۶.

۲- در اینجا، بار دیگر خاطر نشان می گردد که هر چند در اغلب موارد، هدف اصلی از ثبت و درج این قبیل حقایق، مذمت حضرت زهرا(علیها السلام) می باشد؛ امّا محتوای این نقل ها در تعارض شدید با نقل های عدم غضب و عدم قطع رابطه حضرت زهرا(علیها السلام) با ابوبکر قرار دارند.

سند شماره ۵

فَعَضِبْتُ وَ هَجَرْتُ أَبَا بَكْرٍ حَتَّى تُوفِّيْتُ. (۱)

[فاطمه] بر ابوبکر غضب کرد و تا زنده بود با او قطع رابطه نمود و غضبش [بر ابوبکر] استمرار داشت.

سند شماره ۶

فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَةً حَتَّى تُوفِّيْتُ. (۲)

تا [فاطمه] زنده بود، قطع رابطه اش با ابوبکر استمرار و تداوم داشت.

سند شماره ۷

فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَةً لَهُ حَتَّى تُوفِّيْتُ. (۳)

تا [فاطمه] زنده بود، قطع رابطه اش با ابوبکر همواره ادامه داشت.

جمع بندی

با توجه به نصوص متعددی که از تحقق دو فعل «خشم و غضب بر ابوبکر» و «قطع رابطه با ابوبکر» حکایت دارند، ابلهانه است که فعل فَلَمْ تُكَلِّمَهُ که با «فاء تفریع» و به دنبال فعلهای فَوَجَدْتُ عَلِيَّ أَبِي بَكْرٍ وَ فَهَجَرْتَهُ آمده است را به سکوت ناشی از قانع شدن معنا نماییم.

ص: ۱۱۳

۱- تاریخ الاسلام (تألیف: ذهبی)، ص ۲۱.

۲- تاریخ الخمیس (تألیف: دیار بکری)، ج ۲، ص ۱۷۳.

۳- سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰.

منظور از عبارت فَلَـمَ تُكَلِّـمُهٗ، ترک هر نوعی از سخن گفتن است که آن سخن، دلیلی بر عدم اعراض محسوب شود.

ص: ۱۱۴

اشاره

منابع اهل سنت، در ابتدای تمامی اسناد و مدارک حاکی از خشم و غضب حضرت زهرا علیهاالسلام بر ابوبکر، به این موضوع مهم و کلیدی تصریح کرده اند که:

در بستر مطالبات مالی حضرت زهرا علیهاالسلام از خلیفه و دادخواست مالی ایشان علیهاالسلام برای پس گرفتن دارایی هایش که نظام خلافت آنها را مصادره کرده بود، حضرت فاطمه علیهاالسلام با رفتارهای ناعادلانه ای از جانب ابوبکر مواجه شد و لذا بر او خشم گرفت و غضب فرمود.

از این رو، یکی دیگر از شگردهای جدید هواداران خلفا برای تبرئه ابوبکر، پاک نمودن بستر و مقدمه شکل گیری این غضب رسواگر و این حقیقت انکارناپذیر از صفحه تاریخ می باشد.

چنانچه اظهار شده:

«حضرت صدیق، حقوق خویشاوندان رسول را تلف نمود»! (۱)

«در عصر صدیق و فاروق حقوق خاندان پیامبر بطور کامل به آنان می رسید»! (۲)

به عبارت دیگر، عبارات فوق خواستار القای این شبهه است که:

اساساً غضبی صورت نگرفت تا به دلیل آن، غضبی واقع شود!!

ص: ۱۱۶

۱- مقاله مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۵، ۱۳۸۰، ص ۳۳، تیراژ ۱۰۰۰۰ نسخه.

۲- مقاله مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۵، ۱۳۸۰، ص ۳۵، تیراژ ۱۰۰۰۰ نسخه.

نقد و بررسی پنجم: نحوه خنثی سازی شبهه عدم غصب اموال حضرت زهرا علیهاالسلام

جهت نقد و بررسی این شبهه، تنها به ارائه چند سند نقض اکتفا می کنیم و خوانندگان گرامی را به مطالعه کتاب «عبور از تاریکی» (۱) دعوت می نمایم.

این اسناد افشاگر، در تعارض و تضادی عمیق با ادعای این طیف از شبهه افکنان مبنی بر «احقاق حقوق مالی حضرت زهرا علیهاالسلام» قرار دارد.

به این ترتیب، با ایجاد چنین تعارضی، صحت ادعاهای شبهه افکنان نیز به شدت زیر سؤال می رود.

از اینرو، طراحان این توطئه ناچارند تا قبل از هرگونه پافشاری بر صحت ادعای خویش، ابتدا این تناقض جدی را حل و فصل نمایند.

ص: ۱۱۷

۱- عبور از تاریکی (تدوین: عدنان درخشان).

أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ النَّبِيِّ أَرْسَلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ مِمَّا آفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَدِينَةِ وَفَدَكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْ خُمْسِ خَيْبَرَ... فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيْهَا فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا. (۱)

همانا فاطمه دختر رسول خدا فردی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود از رسول خدا را، از او طلب نمود.

این مطالبه شامل: فیه، فدک و باقی مانده خمس خیبر بود... اما ابوبکر از این که چیزی از این اموال را به وی پس بدهد، خودداری ورزید. (۲)

ص: ۱۱۸

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳.

۲- در این جا نیز خاطر نشان می گردد که هر چند در اغلب موارد، هدف اصلی از درج این حقایق مذمت حضرت زهرا(علیها السلام) بوده و حدیث نگاران مکتب خلفا، خواسته اند تا نشان دهند که ایشان ادعای باطلی را مطرح فرموده اند؛ اما محتوای این نقل ها در تعارض شدید با نقل های عدم غصب اموال حضرت زهرا(علیها السلام) قرار دارند.

أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَرْسَلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ مِمَّا آفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَدِينَةِ وَفَدَكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْ خُمْسِ خَيْبَرَ ...

فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا. (۱)

همانا فاطمه دختر رسول خدا فردی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود از رسول خدا را، از او طلب نمود.

این مطالبه شامل: فیء، فدک و باقیمانده خمس خیبر بود ...

اما ابوبکر از این که چیزی از این اموال را به وی پس بدهد، اجتناب ورزید.

أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَرْسَلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ مِمَّا آفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَدِينَةِ وَفَدَكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْ خُمْسِ خَيْبَرَ ...

فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا. (۲)

همانا فاطمه دختر رسول خدا فردی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود از رسول خدا را، از او طلب نمود.

این مطالبه شامل: فیء، فدک و باقیمانده خمس خیبر بود ...

۱- مسند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۵۲.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴.

اما ابوبکر از این که چیزی از این اموال را به وی پس بدهد، دریغ ورزید.

سند شماره ۴

و كَانَتْ فَاطِمَةُ تَسْأَلُ أَبَابَكْرٍ نَصِيْبَهَا مِمَّا تَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ خَيْرٍ وَ فَدَكَ وَ صَدَقَتَهُ بِالْمَدِيْنَةِ فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ عَلَيْهَا ذَلِكَ. (۱)

فاطمه از ابوبکر خواست که سهم وی از میراث پیامبر (یعنی: آنچه از سهم خیر برای پیغمبر باقی مانده بود، فدک و صدقات مدینه) (۲) را به وی پس بدهد.

ولی ابوبکر از پس دادن این اموال امتناع ورزید.

سند شماره ۵

و كَانَتْ فَاطِمَةُ تَسْأَلُ أَبَابَكْرٍ نَصِيْبَهَا مِمَّا تَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ خَيْرٍ وَ فَدَكَ وَ صَدَقَتَهُ بِالْمَدِيْنَةِ فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ عَلَيْهَا ذَلِكَ. (۳)

فاطمه از ابوبکر خواست که سهم وی از میراث پیامبر (یعنی: آنچه از سهم خیر برای پیغمبر باقی مانده بود، فدک و صدقات مدینه) را به وی پس بدهد.

ولی ابوبکر از پس دادن این اموال امتناع ورزید.

ص: ۱۲۰

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره ۲۸۶۲.

۲- جهت آشنایی دقیق با تحلیل صحیح از انواع مطالبات مالی حضرت زهرا (علیها السلام) «عبور از تاریکی» مراجعه فرمایید.

۳- مسند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۲۵.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

